



فهرست مطالب

- ۲ چه باید کرد؟
- ۳ چالش حجاب اجباری و راننده «آتش به اختیار» اسنپ!
- ۴ تحریم‌های تازه و غیرقانونی امپریالیسم آمریکا علیه پتروشیمی ایران را قویاً محکوم می‌کنیم
- ۵ در حاشیه قتل «علیرضا شیرمحمدعلی»
- ۶ تداوم دستگیرشدگان تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر را محکوم می‌کنیم
- ۷ بر کشورم چه رفته است!
- ۹ هذیان‌گویی رهبر ورشکسته جمهوری اسلامی
- ۱۰ سی و هشت سال از تیرباران قهرمانان توفانی گذشت
- ۱۱ تحریکات امپریالیسم آمریکا ادامه دارد
- ۱۲ آیا پهباد آمریکایی وارد حریم هوایی ایران شده بود؟
- ۱۳ در حاشیه آتش سوزی دو نفت‌کش در دریای عمان
- ۱۴ چرا اسرائیل خواهان نابودی ایران است؟
- ۱۶ امپریالیسم آمریکا و جنون گاوی
- ۱۶ چرا شعار «دست‌ها از ایران کوتاه باد!» شعار صحیحی است؟
- ۱۷ «فقر» وجه مشترک ۱۵۲ میلیون کودک کار در جهان
- ۱۸ کمک چین «کمونیست» به پیشبرد برنامه ساخت موشک‌های بالستیک در عربستان
- ۱۸ مرسی را به صورت «دمکراتیک» به قتل رساندند
- ۲۰ در جبهه نبرد طبقاتی
- ۲۶ گشت و گذاری در فیسبوم، پاسخ به یک پرسش
- ۲۷ پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام
- ۲۸ امپریالیسم و تحولات دموکراتیک در ایران
- ۲۹ خامنه‌ای، روحانی را فرمانده جنگ اقتصاد کرد

چه باید کرد؟

حزب کار ایران (توفان) قریب به چهاردهه است که شعار سرنگونی رژیم سرمایه‌داری و ضدمردمی جمهوری اسلامی را با تمام شاخه‌ها و لایه‌هایش، چه سخت‌تن و یا نرم‌تن، اصلاح طلب و محافظه کار را طرح کرده و تأکید داشته است که این رژیم بهیمی باید توسط نیروی مردم ایران تحت رهبری تشکل انقلابی برآفتد، تا آزادی و حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی محقق گردد. حزب ما در عین حال هرگونه هم‌دستی با دول خارجی و نیروهای امپریالیستی را به شدت محکوم کرده و نیروهای انقلابی و اپوزیسیون را از همکاری و دریافت کمک مالی از دول خارجی برحذر داشته و بر استقلال سازمان‌ها، احزاب و مبارزین سیاسی پای فشرده است. حزب ما همواره تأکید کرده است که میهن ما در اثر حمله احتمالی نظامی، ویران و مصیبتی هزاربار دهشتناک‌تر از امروز بر دوش خسته مردم فرود خواهد آمد و آینده تیره و تاری را در شب قیرگون ایران رقم خواهد زد.

اکنون که تنش میان ایران و آمریکا و جنگ روانی از سوی رسانه‌های امپریالیستی شدت یافته و آزر خطر احتمالی تجاوز نظامی به ایران را به صدا درآمده است، نباید از نظر دور داشت و لازم و ضروری است تا هوشیارانه عمل کنیم و فریب تبلیغات امپریالیسم آمریکا و دُرْدانه‌اش اسرائیل صهیونیست را نه‌خوریم و دروغ‌های آنها را باور نه‌کنیم. آنها در حال پختن آشی برای میهن ما ایران هستند که برای عراق و دیگر کشورهای منطقه نیز تاکنون پخته‌اند. به راستی آیا صدام حسین خطری برای صلح جهانی بود و آیا وی با القاعده همکاری می‌کرد؟ آیا قذافی خطری برای صلح جهانی و منطقه بود؟ آیا رژیم بشار اسد خطری برای منطقه و صلح و امنیت جهانی هست؟ آیا این رژیم جمهوری اسلامی بود که دست به بمباران افغانستان، عراق، لیبی و سوریه زد؟ آیا آنطور که اسرائیل و عوامل‌اش تبلیغ می‌کردند، رژیم جمهوری اسلامی دارای پایگاه‌های مخفی بمب اتمی و سلاح کشتار جمعی بود؟ و آیا این جمهوری اسلامی است که در حین مذاکره با نخست‌وزیر ژاپن دو کشتی ژاپنی را در دریای عمان به آتش کشیده است؟

اینکه ماهیت این رژیم‌ها استبدادی و ضدمردمی است، جای انکار نیست. اما ساده‌لوحانه است هر آئینه تصور شود که این رژیم‌ها خطری برای صلح جهانی و منطقه هستند. رژیم صهیونیستی اسرائیل چندین کشور را در منطقه به اشغال خود درآورده است. جنوب لبنان، کل سرزمین فلسطین، بخشی از خاک سوریه و امروز نیز آهنگ آن دارد به ایران نیز تجاوز نماید. عربستان سعودی، یمن را برخلاف تمام موازین بین‌المللی اشغال کرد و هر روز کشتار می‌کند، بحرین را اشغال کرد و در تمام منطقه به عنوان دست‌درازشده آمریکا علیه خلق‌های کشورهای این ممالک عمل می‌کند و «جامعه جهانی» نیز صدایش در نمی‌آید. حال پرسیدنی است؛ چه نیرویی خطری برای صلح جهانی است؟ اسرائیل با ۳۰۰ کلاهک اتمی یا ایران بدون بمب اتمی، سوریه بدون بمب اتمی و عراق بدون بمب اتمی. دشمنی با جمهوری اسلامی نباید به آنجا به‌انجامد که ما به آلت‌دست تبلیغات صهیونیسم و امپریالیسم بدل

گردیم. نقش عربستان سعودی در منطقه را نباید از یاد بُرد. در یک کلام کل منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تحت اشغال و سلطه امپریالیسم آمریکا قرار دارد و لشکر پانصد هزار نفری آمریکا و پایگاه‌های مخرب نظامی‌اش در عربستان، ترکیه، افغانستان، بحرین، قطر، عراق، اردن، امارات و ... اظهارمن‌الشمس است و نیاز به تکرار ندارد.

عده‌ای جمهوری اسلامی را عامل جنگ و تنش در منطقه تحلیل می‌کنند، علی‌رغم اینکه رژیم ایران همانند رژیم صدام حسین، رژیمی تحت محاصره اقتصادی و تحریم‌شونده است، سیاست زورگویانه ۱+۵ را پذیرفت و از اکثر خواسته‌های هسته‌ای خود، که جنبه قانونی نیز داشتند، گذشت و برجام را در قالب «نرمش قهرمانانه» پذیرفت. پس این آمریکا است که یک‌طرفه زیر تمام قراردادهای بین‌المللی را زد و مجدداً تحریم‌ها را از سرگرفت و تهدیدهای نظامی را تشدید کرده است.

پرسش این است؛ آیا چون ما مخالف جدی جمهوری اسلامی هستیم و خواهان استقرار سوسیالیسم در ایرانیم، باید دروغ‌های امپریالیسم آمریکا را به‌پذیریم و در قبال این قلدرمنشی‌های پنتاگون، که سرانجام دودش به چشم مردم میهن ما خواهد رفت، خاموش به‌مانیم و یا رژیم را از سر نفرت سیاسی، مسبب بحران در منطقه بدانیم و با صهیونیست‌ها و عوامل امپریالیسم هم‌زبان و در هیئت نامه‌نگاری و جمع‌آوری امضاء خواهان تسلیم او و همدست اجانب شویم؟

عده‌ای متأسفانه هرگز از بمباران و اشغال عراق و سایر کشورهای منطقه درس نگرفته‌اند و از قضا راهی جز پذیرش سلطه بلامنزاعه امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه و جهان برای برون‌رفت از بحران سیاسی اقتصادی نمی‌بینند و از تسلیم‌طلبی و وطن‌فروشی فضیلتی ساخته‌اند.

کسی که ریگی در کفش ندارد، با برافراشتن پرچم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان آدم‌خوارش، که منطقه و جهان را در جنگ و ویرانی فروبرده‌اند، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و هر گونه تغییر و تحول سیاسی را یک امر داخلی و وظیفه مردم ایران دانسته و با شعار «دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه» باد به بسیج توده مردم در داخل و خارج کمر همت خواهد بست و از هر گونه برخورد یکسویه با رژیم و از کتمان جنون جنگی و اهداف استراتژیک ابر قدرت آمریکا برای حفظ سلطه و هژمونی خود بر جهان، پرهیز خواهد نمود.

سیاست تسلیم‌طلبانه فرجامی جز هم‌دستی با امپریالیسم و دورشدن از وظایف میهنی و انقلابی نخواهد داشت. نیروهای انقلابی در شرایط کنونی فقط در بستر پیکار متحد علیه زورگویی‌های امپریالیستی و استعماری است که می‌توانند به وظائف مُبرم خود حول محور تشکیل کمیته‌های دموکراتیک، مستقل و انقلابی جامه عمل پوشند. پس هوشیارانه و متحداً علیه سرکوبگری‌های داخلی متحد شویم، دست رد به هرگونه مداخله نظامی و تحریم‌های ضدبشری زنیم و خود را برای توفان‌هایی که در راه است، آماده نماییم. پیروزی ما در وحدت و یگانگی است و جزاین نیست.



چالش حجاب اجباری و رانندهٔ «آتش به اختیار» اسنپ!

اول قوهٔ قضائیه عکس‌العمل نشان داد. رژیم که از سویی در تنگنای سیاسی و درگیری‌های اقتصادی به سر می‌برد، چون همیشه انگیزه‌ای یافت تا هم‌زمان با گرم شدن هوا دستور برخورد قانونی جدی‌تر با بدحجابان و ناهنجاری‌ها را بدهد و با مردم جان به لب رسیده از شرایط سخت اقتصادی، زور آزمایی کند و سعی کرد رُعب و وحشت را در دل‌ها بیفکند. دوم، از آنجا که معلوم شد راننده در رابطه با سپاه هست، شرکت اسنپ که اول از خانم دلجویی کرده بود، به یکباره از ایشان به دلیل بر ملا کردن مشخصات این آقای راننده، شکایت کرد! و سرانجام خانم در صفحهٔ توئیتر خود مجبور شد بنویسد: «اینجانب از رانندهٔ اسنپ، مجموعه اسنپ و تمام کسانی که خاطرشان به موجب جریان اخیر جریحه‌دار شده عذرخواهی کرده و اعلام می‌دارم به قوانین کشورم التزام و اهتمام دارم.» تنها می‌توان تصور کرد پشت این جملات چه فشار و تحمیلی نهفته شده است. اما این هنوز پایان ماجرا نبود! چند روز بعد در اتاقی در جایی نامعلوم، مجلس آشتی‌کنان برپا شد و راننده با لبخندی فاتحانه، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، اشعار حافظ و کتاب سلام بر ابراهیم (زندگی یک شهید اسلام!) را به دختر جوان هدیه داد. دختر خانم جوان با چهره‌ای بدون آرایش و غمگین به همراه مادرش با چشمانی پر غم و سری فکنده بر زمین، کنار راننده، بالاچار عکسی برای مطبوعات گرفتند. دست‌های این دختر در عکس بی‌رمق بود و شانه‌هایش به جلو خم شده بود. این سنگینی کتاب‌ها نبود که بر دستان نحیف او سنگینی می‌کرد، این غرور شکسته و کتاب‌هائی بود که با

ماجرای پیاده کردن خانمی در بزرگ‌راه معروف تهران به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری از سوی رانندهٔ اسنپ چنان موضوع روز شد که بعد از سه روز ماجرا به قوهٔ قضائیه کشیده شد. روزها در فضای مجازی موافقان و مخالفان عمل و عکس‌العمل مسافر و راننده با هم به بحث و گفتگو پرداختند. صدا و سیما، دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی، چند ترند قابل توجه برای «به خیر» گذشتن ماجرا به کار برد: ۱- شبکهٔ ۳ صدا و سیما از رانندهٔ اسنپ دعوت کرد که ماجرا را برای میلیون‌ها بیننده شرح دهد. او با اشاره به مقررات شرکت اسنپ و رعایت الزامی حجاب بانوان، با وقاحتی خاص در مصاحبهٔ تلویزیونی گفت که ایشان طبق بخشنامهٔ اسنپ و قانون حاکم بر جامعه «در برابر بی‌حجابی مسافرم آتش به اختیار عمل کردم!» اما خانم شاکی از راننده به تلویزیون و یا رسانه‌ای دعوت نشد. در واقع با برملا شدن ماجرا از همان ابتدا با یک برنامه‌ریزی هدفمند این شانس از این زن گرفته شد، تا شرح ماجرا از زبان او نیز شنیده شود. در عوض مسئولان رنگ و وارنگ به دفاع از راننده در برنامه‌های مختلف و در فضای مجازی، لحظه به لحظه از عمل راننده حمایت کردند. و این آغاز پایان ماجرا بود!



اعلامیه حزب کار ایران (توفان)

تحریم‌های تازه و غیرقانونی امپریالیسم آمریکا علیه پتروشیمی ایران را قویاً محکوم می‌کنیم

وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور اطلاعیه‌ای، ۳۹ شرکت پتروشیمی ایرانی، زیرمجموعه‌های آنها و نیز نمایندگی‌های فروش این شرکت‌ها در خارج از ایران را مشمول تحریم‌های آمریکا علیه اقتصاد ایران کرد. این درحالی است که آمریکایی‌ها اخیراً از مذاکره بی قید و شرط با رژیم جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند و در لباس کبوتر صلح ظاهر شده‌اند!

تحریم‌های تازه آمریکا نشان می‌دهند که این هیولای آدمخوار اهل صلح نیست و نمی‌تواند باشد. از ماهیت سرمایه‌مالی صلح برنمی‌خیزد، اگر هم در اثر فشار بین‌المللی و مردم صلح‌دوست جهان مجبور به صلح شود، این صلح موقتی و ناپایدار است. برای صلح پایدار باید یکایک دندان امپریالیسم را کشید و شمشیر دیکتاتوری پرولتاریا را بر او اعمال کرد. درهم کوبیدن ارتش نازی و پناه‌بردن هیتلر در سوراخ موش نمونه‌ای از اعمال قهر سرخ علیه این جانوران آدمخوار است.

هر دو جنگ جهانی اول و دوم که مسبب‌اش امپریالیست‌ها بودند، سرانجام با پیروزی و نقش تعیین‌کننده کمونیست‌ها به صلح جهانی انجامید. تنها با استقرار سوسیالیسم است که می‌توان به این همه جنگ و تبه‌کاری پایان داد.

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان پیوندید

افکار او همخوانی نداشت و بر شانه‌اش فشار مضاعف وارد می‌آورد. می‌توان بعنوان یک زن حدس زد که چند زن با دیدن این تصویر بغض کردند، اشک ریختند و در پستی‌های فریاد زدند که آنان نیز چون این دختر خانم جوان از حجاب، این سمبل تبعیض جنسیتی رژیم متنفرند.

شاید برخی به پرسند، چگونه است که دختر جوانی به جرم هنجارشکنی متهم می‌شود، ولی «آتش به اختیار» عمل کردن راننده و مردانی چون او در جامعه که در واقع رفتاری فراقانونی است، بی‌جزا می‌ماند؟ رفتار فراقانونی در هر کشور متمدنی، بی‌قانونی و جرم محسوب می‌شود. اما در جمهوری اسلامی اینطور نیست! مداخله‌گری در پوشش و امور خصوصی دیگران در ایران با پشتوانه قانونی و بدون پیگردهای قانونی رخ می‌دهد و حتی مورد قدردانی نیز قرار می‌گیرد. این همان نکته کلیدی است. فرهنگ حاکم، فرهنگ دخالت و جاسوسی، دست‌آورد قبضه کردن در همه عرصه‌های زندگی مردم در چهل سال گذشته است که طبقه حاکم با کسب قدرت سیاسی، فرهنگ و ایدئولوژیک اسلامی خود را در جامعه با توسل به زور جای انداخت و ارزش‌ها و معیارهای خود را به مردم با چوب و چماق حقه کرد. هنوز بسیاری بخاطر دارند که اردیبهشت ماه صدها نفر از مالکان خودرو در تهران پیامک‌هایی دریافت کرده و طی آن به «کشف حجاب در خودرو» متهم و خواستار مراجعه آنها به «پلیس امنیت اخلاقی» شده بودند.

اما این یک روی سکه است. روی دیگر آن، واقعیتی است گران‌بها! از آن رو که هر پدیده‌ای ضد خود را هم با خود حمل می‌کند، زنانی که در دوران حاکمیت همین رژیم به دنیا آمدند و تربیت شدند، آموختند که چگونه در برابر قوانین تبعیض‌آمیز مقاومت کنند و با وجود فشارها، فراقانونی‌ها و تهدیدات، برای برابری حقوق خود مبارزه کنند. شاید به جرأت بتوان گفت که ارزشمندترین دست‌آورد جنش زنان، تربیت نسلی است که امروز دیگر، قوانین محدود و مانع برای شکوفایی روح خلاق انسانی و جامعه زنان را نمی‌پذیرد. آنها با عزمی راسخ و جسارت رژیم را مدام به چالش می‌کشند. این نسل جوان با تجارب گذشته پیوندی برقرار کرد که مبارزه و ایستادگی علیه قوانین تبعیض جنسیتی را به آنان بهتر آموخت. مبارزه‌ای جسورانه را به اشکال مختلف و در زندگی روزمره بکار گرفتند. دیگر شعار تهاجم فرهنگی غربی رژیم، اتهام بی‌بندوباری و... اثر ندارد. امروز زنان، در صف مقدم برای آزادی‌های دمکراتیک و جامعه‌ای بهتر پا به پای مردان، رو در روی رژیم ایستاده‌اند و حاکمان جلاد را به مبارزه می‌طلبند.

در حاشیه قتل «علیرضا شیرمحمدعلی»

آیت‌الله خمینی هنگامی که صدور فرمان نخست وزیری بازرگان را صادر کرد، اظهار داشت که «در فقه اسلام قیام بر ضد حکومت الهی، قیام بر ضد خداست و قیام بر ضد خدا کفر است». خمینی با این حکم به آن کسانی که خیال می‌کردند در حکومت اسلامی دموکراسی می‌تواند جایی برای خود باز کند، جای شک و تردید نگذاشت. دموکراسی و حکومت اسلامی در یک جا نمی‌گنجند. حکومت اسلامی ودیعه الهی است و دموکراسی حکومت مردم. چگونه ممکن است به مردم اجازه و امکان داد که حکومت الهی را ساقط کنند و حکومت خود را به جای آن بنشانند؟ وقتی که حکومت «الهی» باشد هر آنچه که از دور یا نزدیک با آن ارتباط پیدا می‌کند، جنبه «تقدس» به خود می‌گیرد. علم کردن مقدسات مذهبی آن شگردی است که با یاری آن می‌توان نفس هر گوینده‌ای را برید، قلم هر نویسنده‌ای را شکست و آنان را روانه زندان کرد. منظور از مقدسات مذهبی چیست؟ حدود و ثغور آن در کجاست؟ هیچکس نمی‌داند، هیچ قانونی یا ضابطه‌ای در کار نیست. همه چیز وابسته به این است که چه مسأله‌ای را «اهانت به مقدسات» تشخیص دهند و آنگاه دستگاه قضائی کشور را به سراغ اهانت‌کننده می‌فرستند. تاریخ ۴۰ ساله حکومت الهی در ایران سرشار است از شواهدی مبنی بر زندان، شکنجه، اعدام و یا به قتل رساندن انبوهی از جوانان این سرزمین که برای دموکراسی و عدالت اجتماعی خونشان ریخته شد تا حکومت الهی بر جا بماند.

اما آنچه که جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود، یک نظام سرمایه‌داری است، خواه بر آن اقتصاد بازار مسلط باشد یا واحدهای تولیدی که در مالکیت دولت یا تعاونی‌ها باشد. نظام اقتصادی - اجتماعی ایران در خطوط اصلی و اساسی خود با دیگر نظام‌های سرمایه‌داری تفاوتی ندارد. در ایران نیز نیروهای نظامی و انتظامی، قوه قضائیه و زندان‌های تاریک حافظ و نگهبان طبقه حاکم بر سریر قدرت است. نقش این نیروها، اگر از شدت عمل آنها بگذریم، در همه جا یکسان است. بنابر این ما در ایران با یک نظام سرمایه‌داری مسخ‌شده یا در اصطلاح امروزی «وحشی» روبرو هستیم. آنچه که جمهوری اسلامی ایران را از دیگر نظام‌های سیاسی بورژوائی متمایز می‌کند، اسلام است که آنرا به زور به نظام اقتصادی - اجتماعی ایران چسبانده‌اند، فقط به خاطر حفظ و تحکیم قدرت سیاسی و توسعه طلبی بورژوازی اسلام پناه ایران است. از اینرو مبارزات مردم ایران دو سوی این نظام را نشانه رفته است. از یکسوی تحمیل دموکراسی و عدالت اجتماعی به حکومت الهی و بی‌توجهی و نادیده انگاشتن احکام مبتنی بر شریعت آن و از سوی دیگر علیه نظام نئولیبرالیسم اسلامی، علیه اجحافات صاحبان سرمایه در قبال طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش جامعه.

در این میان نسل جوان برآمده از انقلاب ۵۷ قیام نموده است و به انحاء مختلف مخالفت و انزجار خود را از حکومت الهی و نظم مبتنی بر بازار به نمایش می‌گذارد. جدیدترین نمونه آن علیرضا شیرمحمدعلی است که او را به جرم «توهین به مقدسات»، «توهین به خمینی»، «توهین به خامنه‌ای» و «تبلیغ علیه نظام» به ۸ سال حبس تعزیری محکوم کردند و نهایتاً او را در زندان تهمذاً به قتل رساندند. قتل علیرضا شیرمحمدعلی ۲۱ ساله، پیامی روشن به نسل جوان ایران است که مبادا اندیشه عدم تبعیت از فرمان الهی را در سر به‌پرورانید، زیرا که حکومت اسلامی، حکومتی است جاودانه و به هیچ‌گونه عنوانی نمی‌توان و نباید درصدد سقوط آن برآمد! او در نامه آخر خود اظهار داشته بود که «ما به خاطر حق‌طلبی راهی زندان شده‌ایم نه قاتل بوده‌ایم نه غارتگر» از اینرو با اعلام اعتصاب غذای ۳۴ روزه خواستار اجرای اصل تفکیک جرایم شده بود و تقاضا کرده بود که او را به زندان دیگری مانند اوین انتقال دهند که این درخواست با بی‌توجهی مسئولین زندان روبرو شد. تأکید بر این نکته ضروریست که مرگ زندانیان سیاسی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و تاکنون به مجازات عوامل آن نیز منتهی نشده است. این تنها علیرضا شیرمحمدعلی نیست که اینچنین مشکوک به قتل می‌رسد. «وحید صیادی نصیری»، فعال مدنی و زندانی سیاسی در نتیجه بی‌توجهی مقامات زندان، در بیمارستان جانس را از دست داد. پیش از این نیز «هدی رضازاده صابر»، فعال ملی - مذهبی، پژوهشگر، روزنامه‌نگار و زندانی سیاسی در راه انتقال به بیمارستان جان باخت. چنین قتل‌ها و مرگ‌های مشکوک باعث می‌شود تا انگشت اتهام به درستی به سوی حاکمیت نشانه رود.

جامعه پرتلاطم ما نسبت به کشتار زندانیان سیاسی بسیار حساس شده است و این حساسیت و دل‌نگرانی از وضعیت فرزندان دربندشان کاملاً موجه و قابل فهم است. حزب ما به حق نگران جان و امنیت زندانیان سیاسی است. ما به انتقال سپیده قلیان به زندان قرچک و رامین مشکوکیم و یا به ادامه وضعیت «اسماعیل بخشی»، «ندا ناجی»، «مرضیه امیری»، «عاطفه رنگریز»، «کیوان صمیمی»، «امیر امیرقلی»، «امیرحسین محمدی فر» و «ساناز الهیاری» جزء دستگیرشدگان اول ماه مه، اعتراضات هفت تپه و یا از اعضای هیئت تحریریه «نشریه گام» به شدت نگرانیم. ما همچنین به وضعیت فعالان صنفی دربند با دیده نگران می‌نگریم: جان «محمد حبیبی»، «اسماعیل عبدی»، «محمود بهشتی لنگرودی»، «عبدالرضا قنبری»، «روح‌الله مردانی»، «محمد علی زحمتکش»، «نسرین ستوده»، «محمد نجفی»، «امیرسالار داوودی»، «نرگس محمدی» و صدها فعال سیاسی دیگر که در زندان‌اند، بازچه هوا و هوس مُشتی از مقامات امنیتی رژیم شده است. صدای حق طلب آنها باشیم و نقشه‌های شوم مقامات امنیتی و قضائی را افشاء کنیم. نباید اجازه داد تا مرگ‌ها و قتل‌های مشکوک در زندان‌ها ادامه یابد. حزب کار ایران (توفان) قتل عامدانه و دردناک این جوان دلیر را قویاً محکوم می‌کند و به خانواده داغدار او تسلیت می‌گوید. •

خانم «مرضیه امیری»، دانشجو و خبرنگار است. پیگیری و مراجعات خانواده‌های آنها به مسئولان امنیتی و قضایی تا به امروز بی نتیجه مانده و هیچ پاسخ روشنی دریافت نکرده‌اند.

دستگیرشدگان روز کارگر حدود پنجاه تن می‌باشند که اکثریت آنان با قرار وثیقه و کفالت به طور موقت آزاد شده‌اند، اما احضار به دادگاه و فشار به آنان ادامه دارد. از جمله دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد آقایان «سید رسول طالب مقدم» روز چهارم تیر ماه به دادگاه انقلاب و وحید «فریدونی ولاشجردی» روز پنجم تیر ماه به دادگاه کارکنان دولت احضار شده‌اند. از دیگر اعضای بازداشتی سندیکای کارگران شرکت واحد در روز کارگر آقایان «حسن سعیدی» با قرار وثیقه ۳۳۰ میلیون تومانی، «رضا شهابی» با قرار کفالت ۲۵۰ میلیون تومانی بطور موقت از زندان آزاد شده‌اند.

در حالی که بدیهی ترین و پایه‌ای‌ترین حقوق کارگران در مناسبات استثمارگرانه سرمایه‌داری در مراکز صنعتی، تولیدی، خدماتی، آموزشی و درمانی نادیده گرفته می‌شود و حقوق کارگران تا ماه‌ها معوق می‌گردد، حق بیمه‌شان پرداخت نمی‌شود و از خدمات بیمه‌ای و غیره محروم هستند، اما متأسفانه فریادهای حق طلبانه کارگران زحمتکش با فشارهای پلیسی - امنیتی - قضایی سرکوب، و از اجتماعات اعتراضی آنها جلوگیری به عمل می‌آید. آقای «اسماعیل بخشی»، از کارگران زحمتکش عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و همچنین خانم‌ها «سپیده قلیان» و «ساناز الهیاری» و آقایان «امیر امیرقلی» و «امیر حسین محمدی فرد» از فعالان کارگری که در رابطه با اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده‌اند با وجود اینکه ماه‌ها است بازجویی از آنها خاتمه یافته اما برای آزار و اذیت و فشار بیشتر بر آنان و ایجاد ارعاب برای کارگران در محیط کار، بدون دلیل قضایی همچنین بر خلاف رویه جاری قضایی بازداشت موقت‌شان را تمدید و همچنان زندانی هستند. آقای «علی نجاتی» دیگر عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز با قرار وثیقه موقتاً از زندان آزاد شده است و محاکمه وی ادامه دارد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دستگیری و زندانی کردن کارگران در تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر، همچنین زندانی کردن دیگر کارگران، معلمان و فعالان کارگری را به دلیل فریادهای حق طلبانه‌شان که با اتهام‌های واهی امنیتی زندانی صورت گرفته است، محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان و توقف ادامه محاکمه دستگیرشدگان روز کارگر است. همچنین خواسته و مطالبات کارگران باید بطور جدی از سوی مسئولان مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. سندیکای کارگران شرکت واحد از همه تشکلهای کارگری و معلمان در ایران و سراسر جهان و همچنین دانشجویان درخواست دارد با قید فوریت برای آزادی کارگران، معلمان و فعالان کارگری و دانشجویی زندانی از هیچ کوششی دریغ نکنند و با اتحاد و همبستگی ما را برای آزادی دستگیرشدگان یاری رسانند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

تیر ماه ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان بپیوندید •



تداوم دستگیرشدگان تجمع

اعتراضی روز جهانی کارگر را

محکوم می‌کنیم

با گذشت ۵۴ روز از تجمع اعتراضی روز کارگر در مقابل مجلس، فشار بر دستگیرشدگان همچنان ادامه دارد. «آنیشا اسداللهی»، که پس از دستگیری در تجمع اعتراضی روز کارگر بعد از سه روز بازداشت موقت با کفالت ۳۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده بود، عصر ۲۸ خرداد هنگام بازگشت از محل کار در خیابان مجدداً بازداشت و مأموران با وی به خانه خودش و برادرش مراجعه می‌کنند و بعد از تفتیش، لبتاپ و لوازم جانبی متعلق به وی و برادرش را توقیف و او را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کرده‌اند. ایشان مدرس زبان انگلیسی است.

سه تن دیگر از دستگیرشدگان روز کارگر خانم‌ها «عاطفه رنگریز»، «ندا ناجی» و «مرضیه امیری» با وجود اینکه بازجویی آنها بیش از یک ماه است به پایان رسیده و باید برابر قانون و رویه جاری قضایی، بازداشت موقت‌شان خاتمه و آزاد می‌شدند، اما به دلیل آزار و اذیت بیشتر و ایجاد ارعاب برای کارگران همچنان بازداشت موقت آنها تمدید و زندانی هستند. خانم‌ها «عاطفه رنگریز» و «ندا ناجی» از فارغ التحصیلان دانشگاه و جوایز کار و حامی حقوق کارگران هستند و



بر کشورم چه رفته است!

گزارشی از ایران

در منطقه تحت نفوذشان با چنین پدیده‌ای کمتر آشنايند. اگر سر چهار راه کودک گل فروشی به این منطقه نفوذ کرده و تقاضای خرید گل کند، رسم کرده‌اند به کودک نگاه نه کنند که مبادا دلشان رحم آید. قبلاً شیشه را هم بالا می‌کشند که صدای لرزان و پُرتیمناي کودک در آرزوی لقمه‌نانی شنیده نه‌شود و مبادا خطا کنند و دلشان به رحم آید.

در این منطقه شهر گاهی زنان و دخترانی را می‌یابید که بدون حجاب در خیابان رفت و آمد می‌کنند. من در ماه مبارک رمضان هم بارها زنان بی‌حجاب را در همین منطقه دیدم و خوشحال هم شدم و مثل بچه‌ها ذوق هم کردم. در «شمال غرب» کسی از گرانی سخن نمی‌گوید. اینها بخشا خود بوجود آورنده گرانی‌اند. چرا گلایه کنند؟ از کی گلایه کنند؟ دیدید چاقو دسته خودش را به‌برد؟ ولی راست نگفتم، همین‌ها گاهی برای رد گم کردن گلایه هم می‌کنند و از گرانی می‌نالند و دولت مستضعفین به کمک‌شان می‌شتابند! «شمال غربی‌ها» نمی‌خواهند از حال و هوای مردم دیگر نقاط شهر به‌دانند که مبادا دلشان به رحم آید.

در «شمال غرب» با تومان معامله می‌کنند، ولی لحظه به لحظه از طریق موبایل به قیمت دلار نگاهی می‌اندازند که در معامله آنها در نظر گیرند. در «شمال غرب» دو دسته با دو فرهنگ در کنار هم زندگی می‌کنند. یک دسته بعد از پیروزی انقلاب و با

از تهران به گویم. شمال غرب تهران اصلاً از دیگر نقاط شهر جداست. هم خون مردم این منطقه شهر از خون مردم دیگر نقاط شهر رنگین‌تر است و هم فرهنگ‌شان با دیگر نقاط هماهنگی ندارد. طی روز مردم این طرف شهر مردم آنطرف شهر را نمی‌بینند. لزومی هم به دیدار جمال پاک بالائی‌ها نیست. پائینی‌ها در فقر کامل‌اند و بالائی‌ها غوطه‌ور در ثروت. «شمال غربی‌ها» به بقیه به چشم حقارت می‌نگرند. حق هم دارند، چون شمال غربی‌ها بقیه را در حقارت زندانی کرده‌اند. همیشه هم اینگونه بوده. هم دوران آن «خدایامرز» اینگونه بود و هم در دوران دولت مستضعفین. ساختمان‌هایی که در شمال غرب شهر ساخته‌اند به راستی حیرت‌انگیز است. هر یک قصری است. چه از برون و چه از درون. گمان کنم صدها میلیارد دلار در این منطقه نهفته. پائینی‌ها آلونک‌های کوچکی دارند و گاه‌ها در درون کارتن شب را سحر می‌کنند. بهترین تفریح گاه‌ها را در همین نقطه از شهر ساخته‌اند. از سر خیر دولت‌های مستضعفین، دریاچه چیتگر هم نصیب «غربی‌ها» شده. بهترین اتوموبیل‌هایی که در اروپا سراغ داریم، در این منطقه می‌توان مشاهده کرد. تهران معروف است به ترافیک بسیار سنگین. «شمال غربی‌ها»

بسیاری فریب تبلیغات شبانه‌روزی رسانه‌های وابسته به دشمنان برون مرز را خورده بودند. خیلی‌ها به آمریکا امید بسته بودند. خوشبختانه مردم این طرف شهر مثل سایر شهرهای ایران در یک مبارزه واقعی در زندگی روزمره به حقانیت خود و فریب و حيله اجانب پی‌برده‌اند. این پدیده جدید را در تمام شهرها بین اقشار زحمتکش می‌بینید. به تدریج تفکرات کور سال قبل رنگ می‌بازد. نقش قشر دانشجو در این مهم بس ارزنده است. افشای نقش مخرب رسانه‌های وابسته به اجانب توسط قشر دانشجویان شجاع فرزندان این مرز و بوم را باید طلا گرفت. شعارهای اتحاد و وحدت قشر دانشجو با دیگر زحمتکشان جامعه زبان‌زد همه است. همین راه باید ادامه یابد.

اینرا هم بگویم که روند این پیشرفت با تبلیغات شبانه‌روزی رسانه‌های درون و برون مرز می‌تواند به کجراهه کشیده شود. نکند سرخوردگی از دشمنان برون مرز سبب شود بخشی از مردم آن طرف بام افتند و فریب دشمنان در حاکمیت را خورند! چنانچه گاه‌ها از سر استیصال چنین خطاهایی را می‌بینیم. برخی که تا چندی قبل به دشمنان برون مرز دل بسته بودند، با سخنان جدید آقای ترامپ، که قصد دارد ایران را با همین ملایان به کشوری بزرگ و بهتر تبدیل کند، طور دیگری می‌اندیشند. من بارها شاهد بودم و هستم همین آدمیان، زمانی که ترامپ ایران را تهدید به بمباران می‌کند، عصبانی می‌شوند و از سخنان «رهبر» با ذوق و شوق دفاع می‌کنند! استیصال، مرحله دیگری است که مردم کشورمان در سایه افشاء و مبارزه اقشار روشنفکر جامعه باید بر آن پیروز شوند. بر کشورم چه رفته است؟ نقش دانشجویان و روشنفکران در کنار دیگر زحمتکشان جامعه در خصوص باور به توان خود بس مهم و اساسی است.

مردم کشورم در یک جنگ نابرابر قرار گرفته‌اند. تنها با اتحاد و وحدت و با یک تشکیلات قوی می‌توان هم در برابر تحریم‌های ضدبشری غرب بر علیه مردم ایران، هم برای صلح و نه جنگ و هم بر علیه حکام فاسد و چپاول‌گر، به هدف که حفظ استقلال کشور و کسب آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است، دست یافت. و چنین باد!

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

امکاناتی که بدست آوردند، توانستند با غارت و چپاول اموال مردم به ثروت‌های نجومی دست یابند. اینها خود دو طیف‌اند. برخی بر خر مراد سوارند، سیری هم ندارند، از ثروت بادآورده هم نمی‌توانند استفاده کنند، طی این چهل سال هم نه‌توانستند یاد بگیرند. فقط به این ثروت می‌افزایند. دولت اسلامی‌شان را هم نمی‌خواهند از دست دهند. برخی از قدرتمندان معروف به اصولگرا را در اینجا می‌یابید. طیف دوم از این دسته، بدشان نمی‌آید یک دولت دست‌نشانده به قدرت رسد، تا اینها با پول‌های باد آورده، ریش‌هایشان را تیغ زنند و به عیش و عشرت پردازند. اینها بیشتر به اصلاح‌طلبان معروف‌اند. بخشی از مقامات در قدرت در این منطقه اسکان دارند.

اما دسته دوم قبل از انقلاب هم زندگی مرفه‌ای داشتند و هنوز هم دارند. از سیاست‌های ضدمردمی به خصوص پیرامون آزادی‌های شخصی «دولت‌های مستضعفین»، ناراضی‌اند. هر جا می‌نشینند روضه‌خوانی رفاه دوران شاه را می‌کنند. این دسته به واقع در آن دوران در رفاه بودند. اینها در توهم زندگی می‌گذرانند. چشم و امیدشان بر این است که آمریکا و اسرائیل ایران را نجات دهد. مثل رسانه‌های وابسته به اجنبی در خارج، در توهم محض زندگی می‌کنند و در روضه‌خوانی‌هایشان چنان وانمود می‌کنند، تو گویی آمریکا پشت مرزها کلید به دست در حال وارد شدن است و نوه رضا خان میرپنج هم در ارباب‌ای سوار و آماده تاجگذاری در سلطنت آباد است.

اگر در «شمال غرب» زندگی کنید، به واقع در رفاه کامل به سر می‌برید و نمی‌توانید درد و رنج اکثریت جامعه را دریابید. می‌دانیم دیوارهایی را در فلسطین اشغالی کشیده‌اند و این فرهنگ را تا اروپا و جدیداً در آمریکا هم رواج داده‌اند. در رسانه‌های خصوصی مخالفت و مبارزه بر علیه چنین دیوارهایی را می‌شنویم و می‌بینیم. ولی جایی از دیوارهای نامرعی تهران که «شمال غرب» را از دیگر نقاط شهر جدا کرده است، سخن به میان نمی‌آید. ظاهراً چنین دیواری را در تهران نمی‌یابید، ولی من یافتم، هم با چشمانم دیدم و هم با عقلم. دیواری عظیم، عظیم‌تر از دیوارهایی که تاکنون دیده‌ایم و یا شنیده‌ایم، «شمال غرب» را از دیگر نقاط تهران جدا کرده است. در یک طرف ثروتمندان، در آنطرف شهروند درجه دوم و سوم. ثروتمندان از دسترنج شهروندان درجه دوم و سوم، که اکثریت قاطع جامعه را تشکیل می‌دهند، هر روز پروارتر می‌شوند.

همینجا اینرا گفته باشم که در همین منطقه هم هستند آدمیان شریفی که هم در غم زحمتکشان کشور شریک‌اند و هم بطور مستمر برای بهبود وضع اقتصادی آنان مبارزه می‌کنند و گاه روانه زندان می‌شوند.

اما در آنطرف چیز جدیدی یافت می‌شود که برای شهروندان «شمال غربی» خوشایند نیست. در همه جا پیشرفت فکری اکثریت جامعه را می‌توان دید. تا یکی دو سال قبل بسیاری از مردم کوچ و بازار به اشتباه به قدرت خود باور نداشتند.



هذیان‌گویی رهبر ورشکسته جمهوری اسلامی

خامنه‌ای در سخنرانی اخیر خود از رشد «چپ» و سربلند کردن مارکسیسم در دانشگاه‌ها اشاره کرد و ناچار شد آنرا به زبان آورد و حواریون‌اش را به هوشیاری دعوت کند. روشن است، یک قاتل جانی و ضدکمونیست هرگز نخواهد فهمید که کمونیست‌ها را می‌توان کشت و در خاوران و یا در گودال‌های بی‌نام و نشان دفن و ابراز پیروزی و شادمانی کرد، اما کمونیسم را هرگز. کمونیسم، علم‌رهایی طبقه کارگر و بشریت است و بر حسب ضرورت تاریخی و با پیدایش سرمایه‌داری و برای دفن این نظام استثماری متولد شده و هرگز نخواهد مرد، نمی‌توان آن را کشت! آنچه فروپاشید و مُرد سوسیالیسم نبود، سرمایه‌داری در لباس سوسیالیسم بود، دیکتاتوری بورژوازی بود که بیش از سه دهه بر حزب و دولت اتحاد شوروی حاکم بود.

کمونیسمی که باب دندان صهیونیسم و امپریالیسم و طبقه بورژوازی باشد، کمونیسم نیست، ضد کمونیسم است، در لباس مارکسیسم ظاهر شده تا به طبقه کارگر و مردم خیانت کند. «کمونیسم آمریکایی» محصول تبلیغات ضد کمونیستی و خط منحنی و گندیده امام و «راه رشد غیرسرمایه‌داری» و سازش طبقاتی بود که توسط حزب رویزیونیست توده ایران در دفاع از نظام متعفن جمهوری اسلامی در مقابل کمونیست‌های واقعی سربلند کرد و سرانجام خود قربانی همین نظام ضد کمونیست و بربرمنش سرمایه‌داری شد.

خامنه‌ای هنوز از این خوش‌خدمتی و ادبیات بازمانده منحنی ضد کمونیستی از گذشته بهره می‌جوید و در نقش یک رهبر ورشکسته و فاسد به کمونیست‌های واقعی تحت

نام «کمونیست‌های آمریکایی» پارس می‌کند. شکی نیست کمونیست‌ها دوباره سربلند خواهند کرد، در نبرد طبقاتی رفیقی به خاک می‌افتد، رفیقی دیگر جای او را می‌گیرد و یاران جان بدربرده‌اش پرچم او را دوباره برای سازماندهی طبقه کارگر تحت رهبری حزب سیاسی خود و سرنگونی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم به اهتزاز در خواهند آورد و آرام‌نخواهند گرفت.

رشد جوانه‌های مارکسیسم و هسته‌های مارکسیستی در میان کارگران جوان و دانشجویان و گرایش به کمونیسم در ایران نویدبخش است و هذیان‌گویی خامنه‌ای نشان از ترس او از سربلند کردن کمونیسم در ایران است و جز این نیست. حال سخنان رهبر درباب «جریان چپ مارکسیستی».

«امروز در دانشگاه‌ها حتی جریان چپ مارکسیستی هم به خودش جرئت می‌دهد [حرف بزند]؛ مارکسیستی که مظاهر اصلی و عمده‌ی آن، در زیر فشار واقعیت‌ها و حقایق عالم وجود فروریخت، از بین رفت - شوروی را آمریکا از بین نبرد، شوروی را ناحق بودن پایه‌های تفکر مارکسیستی از بین برد؛ البته آمریکایی‌ها استفاده‌اش را بُردند، غربی‌ها استفاده‌اش را کردند - با وجود اینکه این بنیان‌های غلط فروریخته، از بین رفته، باز حالا هنوز یک عده‌ای شعارهای چپ مارکسیستی را می‌خواهند زنده کنند؛ البته خیلی هم جَدی نیستند. به نظر من این کسانی که این روزها راجع به مسائل گوناگون چپ و چپ مارکسیستی و مانند اینها حرف می‌زنند، کسانی هستند که [وقتی] انسان در عمق حرف‌هایشان دقت می‌کند، می‌بیند همان چپ آمریکایی [هستند]؛ مثل همان افرادی که ظاهر شعارهایشان چپ بود، باطن‌شان آمریکایی و غربی بود، اینها هم همین جور هستند».

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان پیوندید •



رفیق رضا محمد پور



رفیق نادر رازی



رفیق مسعود نائینیان



رفیق داریوش انصاری



رفیق جانبراز روحی



رفیق ابراهیم دادجو



رفیق منوچهر تهرانی



رفیق مهدی شیرخدا

سی و هشت سال از تیرباران قهرمانان توفانی گذشت

ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم.....

«زنده آنهائید که پیکار می‌کنند، آنها که جان و تن‌شان از عزمی
راسخ آکنده است، آنها که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می‌روند.
آنها که اندیشمند به سوی هدفی عالی راه می‌سپزند و روز و شب،
پیوسته در خیال خویش یا وظیفه‌ای مقدس دارند، یا عشق بزرگ...»
(ویکتور هوگو)

قهرمان، درخشان‌ترین تجلیات روح انسانی است که بدون شک از
طبیعت انسان‌هایی مایه می‌گیرد که از تعلق خویش به توده‌های خلق
و از تعلق خویش به جامعه انسانی و ایده‌آل‌های با شکوه آن اهمیت
قائل‌اند. از اینرو آگاهانه تمام نیروی خویش را، که از قدرت لایزال
خلق مایه می‌گیرد، وقف مبارزه در این راه آرمان نموده و به قهرمانان
فناناپذیر تاریخ مبدل می‌شوند. رفقا «رضا محمدپور»، «نادر رازی»،
«مسعود نائینیان»، «داریوش انصاری»، «جانبراز روحی»، «مهدی
شیرخدا»، «منوچهر تهرانی» و رفیق «ابراهیم دادجو» از جمله این
قهرمانان تاریخ‌اند که ایستاده جان دادند و در مقابل ارتجاع سر فرود
نیابردند. سردارانی از ارتش پرولتاریای ایران که در مرگ خویش
زندگی نسل‌های متوالی زحمتکشان از بردگان دوران باستان و
پرولتاریای مدرن گرفته تا زحمتکشان آزاد دنیای فردا را در نوردیده
به ابدیت، به دورترین نقاط فرا روی تاریخ پیوسته‌اند.

این رفقا درسی و هشت سال پیش، در تابستان ۱۳۶۰ به جرم دفاع
از کارگران و زحمتکشان و آرمان کمونیستی و عضویت در حزب
پرولتاریای ایران حزب کار ایران (توفان) تیرباران شدند و امروز در
میان ما نیستند و خیلی زود، زودتر از آنچه به تصور آید، ما را ترک
کردند. اما مرگ آنها با مرگ عادی آنچنان که همه به آن دچار
می‌شوند، تفاوت بسیار داشت. آنها در اوج سلامتی جسمی و فکری،
و بر قله رفیع شکوفایی تن و جان، آمرانه مرگ را فراخواندند تا

آمریت مطلق‌العنان آنرا درهم شکندند. آنها به مرگ زودرس دچار
نه گشتند، بلکه در آن‌زمان که پاسداری از آرمان زندگی، زندگی
انسانی، «برای انسان زحمتکش» جز با مرگ آگاهانه و ارادی ممکن
نبود، مُردند تا این آرمان و امیدهای مربوط به آن را زنده نگاه دارند.
اگر تاریخ باستانی مردم با داشتن یک آرش تیرانداز بر خود می‌بالد،
تاریخ فردای این مردم به لشگرهائی تمام و کمال از آرش‌های
خویش خواهد بالید. سردارانی چون «حاج علی دوافروش»، «اسدالله
غفارزاده»، «حیدر عمواغلی»، «حجازی»، «کارگر چاپخانه»، «ارانی»،
«آوانسیان»، «قاسمی»، «بابا پورسعادت»، «قدرت فاضلی»، رفقا
«مجلسی» و «حمیدرضا چیتگر (بهمنی)» که همچون ستارگانی در
آسمان انقلاب ایران درخشیدند و زندگی والای خویش را آگاهانه
فدا نمودند. کسانی که برای آرمان‌های کمونیسم جان باختند.

رژیم فاشیستی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با گلوله‌باران‌های
خویش آنها را از میان ما بُرد، اما ما بار دیگر رفقا «جانبراز روحی»،
«مسعود نائینیان»، «نادر رازی»، «داریوش انصاری»، «ابراهیم دادجو»،
«مهدی شیرخدا»، «منوچهر تهرانی»، «رضا محمدی» را در میان
کارگران و زحمتکشان ایران، معدنچیان شیلی و آفریقای جنوبی،
ملت قهرمان فلسطین بازیافته و صدای آنها را از خلال غریو رعد
آسایی که خبر از توفان‌های بنیان‌کن در آینده می‌دهد، می‌شنویم.
آنها در وجود آن «شبحی» که به «گشت و گذار» در جهان مشغول
است، فناناپذیر شده‌اند. شیخ کمونیسم.

خاطره «جانبراز روحی»، «مسعود نائینیان»، «نادر رازی»، «داریوش
انصاری»، «ابراهیم دادجو»، «مهدی شیرخدا»، «منوچهر تهرانی»،
«رضا محمدی» و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم را به سلاحی
تبدیل کنیم و با آن قلب قاتلان‌شان را نشانه رویم. با امید و آرزوی
سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم در ایران یاد
این رفقا را گرامی می‌داریم.

یاد همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست
کارگران و زحمتکشان ایران!

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان) خرداد ماه ۱۳۹۸ •



تحریکات امپریالیسم آمریکا ادامه دارد

پهپاد جاسوسی در مرز هوایی ایران ساقط شد

جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۳۰ خرداد اعلام کرد که یک فروند پهپاد آمریکایی «گلوبال هاوک» را بر فراز آسمان هرمزگان ساقط کرده است. پنتاگون با تأکید بر اینکه امروز عملیاتی در آسمان ایران نداشته است، از اظهار نظر سریع در مورد صحت و سقم ادعای سپاه خودداری کرده است.

یک مقام آمریکایی سرنگون شدن پهپاد تجسسی (بخوانید جاسوسی!) این کشور بر فراز آب‌های «بین‌المللی» توسط ایران را تأیید کرد. این مقام آمریکایی به رویترز گفته است که پهپاد ساقط شده از نوع ترایتون MQ-4C بوده است و با یک موشک زمین به هوا از سوی ایران ساقط شده است. این پهپاد گرانقیمت و پیشرفته آمریکایی در حقیقت از جمله جدیدترین پلاتفرم‌های اضافه شده به سازمان رزم نیروهای مسلح آمریکا بوده است و تعداد کمی از آن نیز تا به امروز ساخته شده است. براساس اطلاعات موجود و آمارهای رسمی تنها یگان به کار گیرنده این پهپاد اسکادران VUP-19 در پایگاه Jacksonville در ایالت فلوریدای آمریکاست که فقط ۲ فروند از این پهپاد را در اختیار داشته است؛ بدین معنا که سپاه، یکی از ۲ پهپاد عملیاتی در این رده را شکار کرده است. بخش دیگری از حسگرهای نصب شده روی این پهپاد

مجموعه شناسایی و هدف‌گیری الکترواپتیکال MTS-B ساخت شرکت ریتھون است که بر روی پهپاد MQ-9 نیز نصب شده است. در مدل نصب شده روی این پهپاد سیستم‌های مسافت سنج و نشان‌گذار لیزری بیشتری نیز تعبیه شده و این مجموعه توان ارسال زنده تصاویر به سایر واحدها را نیز دارد.

از دیگر قابلیت‌های این پهپاد آمریکایی شناسایی و کشف محل رادارها و سامانه‌های جنگ الکترونیکی دشمن است. اصولاً هر سیستم الکترونیکی دشمن که فعال شود توسط این پهپاد به صورت غیرفعال شناسایی و مکان‌یابی شده و تصویر واضحی از شرایط سامانه‌های طرف مقابل در اختیار آمریکایی‌ها قرار خواهد گرفت. این پهپاد دارای غلاف‌ها و حسگرهای لازم برای عملیات شنود و جاسوسی امواج الکترونیکی SIGINT نیز هست.

از دیگر توانایی‌های مهم این پهپاد شناسایی آمریکایی قابلیت ایجاد رله ارتباطی بین پلاتفرم‌های مختلف در میدان نبرد است. اطلاعات لازم از هر پلاتفرمی توسط این پهپاد دریافت شده و در فرکانس‌های مختلف با هواپیماها، شناورها و یا عناصر زمینی به اشتراک گذاشته می‌شود و به نیروهای عملیاتی کمک می‌کند تا تصویری بزرگ و دقیق از میدان رزم داشته باشند.

سرنگونی پهپاد آمریکایی و سپس انگشت اتهام به سوی ایران در حمله به دو نفت‌کش در آب‌های دریای عمان در نزدیکی تنگه هرمز در روز ۱۳ ژوئن و وقوع انفجار در آنها و همینطور حمله موشکی به چند شرکت مشاوران آمریکایی در موصل... از جمله تحریکاتی است تا توجیه‌ای برای حمله احتمالی به چند نقطه ایران صورت گیرد.

آیا پهپاد آمریکایی وارد حریم هوایی ایران شده بود؟

«محمد شریف» (۱۳۲۴)، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، وکیل زندانیان سیاسی است که در دوره «احمدی‌نژاد» و ریاست «سید صدرالدین شریعتی» به علت وکالت متهمین سیاسی از دانشگاه علامه اخراج شد. «محمد شریف» تحلیل درستی از نقض حریم هوایی ایران و مورد هدف قرار گرفتن پهپاد آمریکایی ارائه داده که عین مطلب از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

«به نظر اینجانب جهت گیری کلی رسانه‌ها در مورد نحوه ارائه اخبار راجع به سرنگونی هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین آمریکا توسط پدافند ضد هوایی ایران، در پی الغاء این نکته به اذهان مخاطبان است که این ایران است که تنش در منطقه را گسترش می‌دهد. در این میان رسانه ضد ایرانی بی بی سی فارسی با به کارگیری تجارب حرفه‌ای، اهداف ضد ایرانی‌اش (و نه الزاماً ضد نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران) را به خوبی در سازماندهی اخبار راجع به این قضیه پی می‌گیرد. در حالیکه: حضور گسترده نظامی آمریکا از آن سوی دنیا در خلیج فارس آنهم با پیشرفته‌ترین ادوات نظامی کشتار جمعی منجمله ناوهای هواپیمابری که در حکم جزیره‌های متحرک‌اند، به خودی خود صلح و امنیت در منطقه را شکننده و در معرض تهدید قرار داده است. این حضور نظامی در تقابل با ایران توجیه شده و ایران را مجبور کرده که تمامی توان بازدارنده و تدافعی خود را در برابر این تهدید پر قدرت نظامی در حالت آماده باش دائم قرار دهد. بنابر این در وضعیتی که پیشرفته‌ترین هواپیمای جاسوسی از این جزیره متحرک به پرواز درمی‌آید، اصل بر این نهاد می‌شود که هدفی جز شناسائی ابزار دفاعی ایران را پی نمی‌گیرد.

در قضیه سرنگونی این هواپیمای جاسوسی ایران مدعی است که این ابزار پیشرفته جاسوسی، وارد فضای تحت حاکمیت ایران شده و آمریکا مدعی است که هواپیمای جاسوسی‌اش در فضای بین‌المللی حضور داشته است. تنگه هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی مشمول عبور ترانزیت است و نه تنها هواپیماهای متعلق به هر کشوری قادر به پرواز بر فراز آن‌اند بلکه زیر دریائی‌ها نیز حین عبور از آن موظف به عبور از سطح‌ها آب نیستند. ولی از آنجا که تمامی جزائر واقع در دهانه تنگه (مشمول بر دو مجمع‌الجزائر واقع در کرانه‌های شمالی حوالی تنگه) تماماً جزائر ایرانی و بالمآل تحت حاکمیت ایران‌اند، و آبهای واقع بین آنها دریای سرزمینی تحت حاکمیت ایران‌اند، لذا ورود اینگونه هواپیماها حتی در وضعیت عادی بدون اجازه کشور صاحب سرزمین (در اینجا ایران) ممنوع است، لذا چنانچه ادعای ایران صحیح باشد، عکس‌العمل دفاعی ایران قانونی و مشمول ماده ۵۱ منشور ملل متحد، یعنی دفاع مشروع

امپریالیسم آمریکا و قیحانه حریم هوایی، زمینی و آبی همه ممالک جهان را حریم «بین‌المللی» می‌پندارد و به نقض مداوم حریم رسمی و شناخته شده کشورها و تمامیت ارضی آنها می‌پردازد.

سیاست تجاوزکارانه و زورگویانه آمریکا علیه ایران ادامه سیاست شکست‌خورده این ابر قدرت در عراق و لیبی، افغانستان و سوریه است و اینبار هم جز شکست چیزی نصیب‌اش نخواهد شد. ساقط شدن پهپاد آمریکایی شکست بین‌المللی برای امپریالیسم آمریکا بود و او را خار و مفتضح ساخت. دونالد ترامپ دروغ‌گو برای اظهار نظر در این رابطه نه راه پیش داشت و نه راه پس و مجبور شد سخنان متناقضی بر زبان آورد و ساقط شدن هواپیمای بدون سرنشین توسط ایران را با چاشنی «انسانی و عدم سیاست تلافی جویانه» به‌پذیرد و عقب‌نشینی کند. وی در تویتری چنین گفت: «آنها روز دوشنبه به یک پهپاد، که بر فراز آب‌های بین‌المللی در پرواز بود، شلیک کردند. ما شوکه شدیم و شب گذشته تصمیم حمله به سه نقطه مختلف گرفتیم. هنگامی که پرسیدم چند نفر خواهند مُرد؟ یک ژنرال پاسخ داد ۱۵۰ نفر. ۱۰ دقیقه قبل از حمله آنرا متوقف کردم».

حزب ما هرگونه حمله احتمالی به ایران را شدیداً محکوم می‌کند و آن را فاجعه‌ای برای مردم ایران و منطقه می‌داند و از همه آزادیخواهان و شیفتگان صلح می‌خواهد که سیاست‌های جنگ‌افروزان آمریکا را محکوم نمایند و در صف جهانی جنبش ضد تجاوز و واحد ممانعت از جنگ از هیچ کوششی دریغ نه‌ورزند.

حزب ما همواره تأکید کرده است که هرگونه تغییر و تحول سیاسی در ایران یک امر داخلی است و مردم ایران سال‌هاست ضمن مبارزه برای حقوق دموکراتیک و مطالبات عدالت خواهانه خود علیه رژیم جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی مخالفت آشکار خود را نیز با هرگونه مداخله خارجی و تحریم‌های اقتصادی نشان داده‌اند.

دشمنی با رژیم ددمش حاکم نباید مُنجر به تأیید تحریکات و تهدید و تحریم و تجاوز و سلاخی مردم ایران توسط کفتاران بین‌المللی گردد.

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد
<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان بپیونید •

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



در حاشیه آتش سوزی دو نفتکش در دریای عمان

برخی از رسانه‌های جهانی از حمله احتمالی به این کشتی‌ها سخن می‌گویند و این نکته دارای چند جنبه مهم سیاسی است:

یکم اینکه این حمله احتمالی به تانکرهای حامل کالاهای ژاپنی و آتش‌سوزی همزمان با ملاقات «آبه شینزو»، نخست وزیر ژاپن با رهبران جمهوری اسلامی رخ داده است. رویدادی که می‌تواند با هدف برهم‌زدن مذاکرات با رژیم و تشدید بحران ایران و آمریکا صورت گرفته باشد.

دوم اینکه «مایک پمپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا، فوراً ایران را بدون هیچ مدرک و سندی مسئول حمله به دو نفتکش در دریای عمان اعلام کرده است. در عین حال گفته است که کشورش همچنان خواهان آن است که مقام‌های تهران «در وقت مناسب» به پای میز مذاکره با واشنگتن بازگردند!!

امپریالیسم آمریکا زیر تمام قراردادهای بین‌المللی را یکجانبه زد و از مذاکرات در چارچوب برجام خارج شد، آنوقت امروز طلب کار است و امر می‌کند که ایران باید به پای میز مذاکره مجدد برگردد!!!

سوم اینکه دولتی که خواهان مذاکره و حل بحران از طریق صلح‌آمیز است، نمی‌تواند با دروغ و تهدید و بدون سند انگشت اتهام به سوی طرف مقابل دراز کند. این خود نشان می‌دهد که پیشنهاد مذاکره بی‌قید و شرط با ایران و تمام سخنان متناقض آمریکا فاقد ارزش و اعتبار است. دروغ‌های تیم «دونالد ترامپ» همانقدر با اعتبارند که دروغ‌های تیم «جرج بوش» در قبال دولت بعث عراق بود.

است که حقی ذاتی و منطبق با موازین حقوق بین‌الملل است. در مقابل، اقدام آمریکا تجاوز نظامی شمرده می‌شود و شورای امنیت موظف است طبق وظائفی که دول عضو سازمان ملل متحد طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد به آن سپرده‌اند، در اسرع وقت تشکیل جلسه داده و با احراز موارد مندرج در ماده ۳۹ (تهدید بر صلح، نقض صلح، و عمل تجاوز) همان منشور که ماده آغازین فصل ۷ است، دولت متجاوز را مشمول ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در مواد ۴۱ و ۴۲ قرار دهد.

توضیح اینکه ماده ۱ قطعنامه تعریف تجاوز (شماره ۳۳۱۴ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی) مقرر نموده: «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، یا استقلال سیاسی دولت دیگر.....» و ماده ۵۱ منشور ملل متحد در برابر وضعیت تجاوز نظامی مقرر نموده که تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام ندهد، هیچیک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع مشروع از خود لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

برداشت مندرج در رأس این پست از نحوه برخورد جریان یکسویه اطلاعات با این قضیه پس از ملاحظه زیرنویس‌های ده‌ها کانال ماهواره‌ای اعم از فارسی، انگلیسی و عربی ارائه شده است. جریان اطلاعات در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر «آزاد» توصیف شده (free flow information)، و این توصیف ضمن بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی الحاقی به اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. این جریان با سلطه مطلق بر رسانه‌ها تبدیل به جریانی یکسویه شده که موجب و مولد اینگونه نابهنجاری‌ها است. این نابهنجاری در تمامی کنفرانس‌های یونسکو در مورد جریان اطلاعات همواره با اعتراض قدرت‌های نوظهور و کشورهای مستقل مواجه شده است.

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان بپیوندید

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان،
لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند!

چرا اسرائیل خواهان نابودی ایران است؟

نویسنده: گرگ شپاک (Greg Shupak)
از «انتفاضه الکترونیکی» - ۱۱ ژوئن ۲۰۱۹
(The Electronic Intifada)

این روزها در مورد جنگ احتمالی با ایران بسیار نوشته می‌شود. حقیقت آن است که مدت‌هاست جنگی علیه ایران و برای حفظ منافع اسرائیل در جریان است. دولت امریکا ضمن تقویت مواضع نظامی، جنگی، اقتصادی علیه این کشور به راه انداخته است و از زمین، هوا و دریا، سلاح‌های خود را به سوی این کشور نشانه گرفته است. موتور جنگ و خشونت امریکا در خاورمیانه به بهانه اینکه روزی این کشور (ایران) احتمالاً می‌تواند بمب اتم به‌سازد، روشن و آماده است و هر گاه امریکا منافع خود را در خطر ببیند، جنگی نیابتی بین امریکا، اسرائیل و ایران به راه خواهد افتاد. چنین مانورهایی را باید در چارچوب روش‌های فهمید که امریکا در پیش می‌گیرد، وقتی مانعی بر سر راهش قرار می‌گیرد. ایران مانعی بر سر راه اهداف حاکمیت امریکاست، اهدافی که منافع رهبری اسرائیل نیز را در برمی‌گیرد.

برنامه‌ریزان آمریکایی و اسرائیلی اساساً از ایران نفرت دارند، چرا که ایران قدرتی مستقل و غیروابسته در منطقه است با قدرت نظامی - سیاسی خارجی قوی از جمله حمایت مادی از مقاومت مسلحانه فلسطین به اسرائیل و دفاع حزب‌الله از لبنان در برابر تجاوزات آمریکا - اسرائیل برای نمونه حمله مشترک در سال ۱۹۸۲ و حمله امریکا در حمایت از اسرائیل در سال ۲۰۰۶. پشتیبانی ایران از حزب‌الله در برابر اشغال کشور اسرائیل با حمایت ایالات متحده نیز در این ماجرا بسیار مهم و تعیین‌کننده بود. اسرائیل طی سال‌های گذشته همواره خواهان حمله نظامی علیه ایران بود و در ماه فوریه (سال جاری) هم صریحاً این خواست خود را به امریکا متذکر شد، اما در حال حاضر اسرائیل نه تمایلی به حمله نظامی و نه تمایلی به مبارزه با حزب‌الله لبنان عواقب مهلک و خطرناکی برای اسرائیل خواهد داشت. در عوض اکنون اسرائیل امیدوار است که (با تحریم‌های اعمال شده علیه ایران) با فروپاشی اقتصاد و ایجاد بحران اجتماعی رژیم را به سقوط به‌کشاند و یا رژیم ایران را در چارچوب توافقنامه‌ای که پیش از این امضا کرده و تاکنون به آن پایبند بوده به زانو درآورده و مجبور به پذیرش کنترل شدیدتر اتمی شود. ایران هم در حال حاضر می‌گوید اگر تحریم‌ها مانع از بهره‌مند شدن مزایای برجام شود، از این توافقنامه خارج خواهد شد.

تضعیف ایران

رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی، که در محاصره اقتصادی و نظامی قرار دارد، نفعی با چنین اقدامات ماجراجویانه ندارد؛ همانطور که رژیم صدام حسین نداشت و نشان داد تمام اتهامات آمریکا به رژیم صدام دروغ و فاقد اعتبار بود.

از نیروی حمله به دو نفت کش در دریای عمان و موضع‌گیری سریع و شتاب‌زده آمریکا و اسرائیل حکایت از مشکوک بودن این حمله احتمالی و سوء استفاده سیاسی تبلیغاتی و تشدید فشار علیه ایران برای انزوای او دارد.

نیروهایی که به خاطر نفرت از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی این اقدامات مشکوک را بدون هیچ مدرکی به او نسبت می‌دهند، یا از آشی که امپریالیسم آمریکا در حال پختن برای مردم ایران است، بی‌خبرند، یا اینکه باخبرند، اما به خاطر منافع حقیرشان باید به تأیید سیاست‌های جنگ‌افروزان آمریکا به‌پردازند تا در پارکابی او رژیم اسلامی را سرنگون سازند.

هوشیار باشیم! فریب تبلیغات شستشوی مغزی بنگاه‌های امپریالیستی را نه‌خوریم و با فکر مستقل خود برای کسب آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حفظ استقلال ایران پیکار کنیم.

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!
سرنگونی رژیم سرمایه‌داری و هرگونه تغییر و تحولی فقط به دست مردم ایران!

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان بپیوندید •

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی
انسانها و دشمن شماره یک بشریت است



با توفان همراه شوید

@TOTOUFAN

و ته مسئله فلسطین» هم بهم می‌آید و «فلسطین» محو خواهد شد. در عین حال بدین ترتیب «محور ضد ایران» با قرار گرفتن امریکا، اسرائیل و کشورهای منطقه خلیج فارس تشکیل و تحقق می‌یابد.

نمونه دیگری از اتحاد ضد ایران، پشتیبانی اسرائیل از ائتلاف امریکا، عربستان سعودی، انگلیس، امارات متحده عربی و کانادا در حمله نظامی به یمن است، جنگی است که به نظر می‌رسد علیه متحد ایران، حوثی‌ها، متمرکز شده است و کشور یمن را در معرض یکی از بدترین بحران‌های انسانی در جهان قرار داده است.

در این میان اسرائیل اطلاعاتی را که در اختیار دارد، با اعضای مؤتلفه علیه یمن به اشتراک گذاشته است و در ازای آن قراردادهای نظامی بسته است؛ برای نمونه: امارت متحده عربی توافق کرده است که سلاح و تجهیزات نظامی از اسرائیل خریداری شود. اسلحه ساخت اسرائیل در حملات یمن مورد استفاده قرار گرفته است.

خرید و فروش سلاح‌های نظامی و مبالغ هنگفتی که بابت این معاملات بین ایالات متحده و مشتریان‌اش، خصوصاً عربستان سعودی و اسرائیل انجام می‌شود، نشان می‌دهد و تأکیدی است که تجاوز نظامی و «محور آمریکا - کشورهای عربی - اسرائیل»، محور ضد ایران، نه تنها از منظر سیاسی، بلکه از دید اقتصادی نیز حائز اهمیت است. معاملاتی در این میان به حساب فلسطینیان و مردم محروم و غارت شده صورت گرفته است که طبقه حاکم کشورهای متحد «محور ضد ایران» از این طریق ثروتمندتر شده‌اند.

همانگونه که تامارا نصر، در *The Electronic Intifada* (الکترونیک اینتی فادا) بیان می‌کند، چشم انداز روابط پُر سود برای اسرائیل بی‌شک کمکی است برای توضیح و درک این مسئله که چرا دولت‌های غیردموکراتیک خلیج فارس، چنین رقابتی با یکدیگر دارند و فلسطینی‌ها را قربانی این «ازدواج خویش با اسرائیل» می‌کنند که تصدی امور جشن‌اش را هم امریکا برعهده دارد. هرگونه حمله سیاسی - اقتصادی و احتمالاً حمله نظامی در آینده، تنها یک حمله نظامی به ایران نیست، بلکه جنگی است که منطقه را فرا خواهد گرفت.

دکتر Greg Shupak نویسنده و تحلیل‌گر سیاسی است و استاد علوم رسانه‌ای و انگلیسی در دانشگاه گلف هامبورگ است. او نویسنده تاریخ دروغین: فلسطین، اسرائیل و رسانه‌ها است. ●

اصل مطلب:

<https://electronicintifada.net/content/why-israel-wants-iran-destroyed/27531>

تضعیف ایران با دورنمای تغییر رژیم، مدت‌ها مرکز ثقل توجهات اسرائیل بود، که مهم‌ترین اقدام این سیاست اسرائیل هم ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی بود. ۱۶ سال است که مشخص شده است، ایران «خطر بمب اتمی» نیست و شواهد حاکی از آنند که هرگز هم در موقعیت نزدیک به ساخت آن نیز نبوده است. در مورد حملات اسرائیل به سوریه هم باید گفت که این قضیه بخشاً به ایران ربط دارد. رژیم سوریه برای حمایت فلسطین و مسلح ساختن حزب‌الله با ایران همکاری‌های تنگاتنگی داشته‌اند. حزب بعث سوریه هم از نظر تاریخی درگیری‌های خود را با ارتش اسرائیل داشته است، هرچند نه به طور ممتد و یکسان.

هر چه هم دونالد ترامپ نفی کند و هر چه هم بگوید، واقعیت این است که اسرائیل استعمار خود را بر سوریه گسترش داده است. بدین ترتیب که گروه‌های مخالف رژیم اسد را مسلح کرد و بمب‌گذاری‌های مرگ‌باری علیه حزب‌الله ایران را در آن کشور حمایت و به مرحله اجرا درآورد. بلندی‌های جولان در سوریه هم همچنان تحت اشغال اسرائیل است. علاوه بر همه این مسائل، پشت تهدیدات علیه ایران، باید نقش متحدین امریکا، اسرائیل و دیکتاتورهای مورد حمایت امریکا در خاورمیانه، خصوصاً عربستان سعودی و امارات را بررسی کرد.

رهبران هر دو کشور، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، گفته‌اند که ایران را به عنوان یک مشکل در منطقه می‌بینند و لازم به تذکر است که هم امارت و هم عربستان سعودی - پشت پرده - با سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) علیه ایران فعالیت و همکاری‌های نزدیکی باهم دارند. در ادامه می‌بینیم که چرا اینگونه است.

از آنجایی که تاکنون تمامی اقدامات و دسائس علیه ایران به نوعی با «موضوع فلسطین» مرتبط است، باید توجه کرد که «معامله قرن» و «بسته صلح» پیشنهادی ترامپ و مشاور و دامادش، جرد کوشنر، از مسئله فلسطین فراتر و گسترده‌تر است. با «بسته صلح» می‌بایست آرزوی کشور فلسطین مدفون و ایران هم خنثی شود.

فلسطین کم کم محو خواهد شد!

در اسناد و مدارک «طرح صلح»، امریکا، توصیه بر حفظ کنترل اسرائیل در قلمرو مناطق مورد اختلاف و همچنین رد هرگونه ادعای فلسطین برای داشتن دولت فلسطین است و حق بازگشت پناهندگان فلسطینی، انتقال و سکنی دادن آنها تنها در مناطق غیر همجوار، مطرح است. این طرح شامل نقشه و تلاشی است برای دادن رشوه مالی به بخش‌هایی از فلسطینیان و امریکا امیدوار است که بودجه آن تا حد زیادی از طرف کشورهای متحد او پرداخت شود. طبق این طرح، با فشار امارات متحده عربی و عربستان سعودی، به تشکیلات خودگردان فلسطین، سرانجام آنها مجبور به پذیرش این معامله ناعادلانه خواهند شد و «سر



دستها از ایران کوتاه باد HANDS OFF IRAN

چرا شعار «دستها از ایران کوتاه باد!» شعار صحیحی است؟

زیوا بیانگر مخالفت ملتی با مداخله «بشردوستانه» امپریالیستی است که می‌خواهد برای اهداف غارت‌گرانه و ژئوپولیتیک خود حیات و شیرازه ایران را ویران سازد.

زیوا بیانگر مخالفت ملتی با نقض حقوق ملل و پذیرش حق تعیین سرنوشت به دست خود ملل است.

زیوا بیانگر حق ملت ایران برای سرنوشتی انقلابی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و هرگونه تغییر و تحولی به دست و اراده مستقل خود اوست و نه اجانب.

اپوزیسیونی که با این شعار میهن‌دوستانه مخالفت کند، عملاً خواهان سرنوشتی رژیم توسط امپریالیسم آمریکا و تعیین سرنوشت ملت به دست این ابرجنایت‌کار است. شعار موهومی «جبهه سوم» و طرح شعار «سرنوشتی رژیم» و عمده کردن آن «تحت هر شرایطی» توسط برخی از سازمان‌های «چپ پارکابی شورایی» شعاری ارتجاعی و در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم است و جز این نیست.

چرا شعار «دستها از مردم ایران کوتاه باد!» در شرایط خطر تجاوز خارجی، شعار انحرافی و متناقضی است؟

زیوا روشن نیست که در شرایط خطر تجاوز نظامی منظور از کدام «دست» است که باید از مردم ایران کوتاه گردد،



امپریالیسم آمریکا و جنون گاوی

در سیاست خارجی آمریکا آشفتگی و تناقض‌گوئی و پریشان‌حالی شدیدی مشاهده می‌شود. بازتاب این موضوع را می‌توان در اظهارات دمدمی‌مزاج گونه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، دید که هر لحظه با اظهارات ضد و نقیض و عدم انسجام سیاسی همچون گاوی، که دچار جنون شده است، ظاهر می‌شود.

«جنون گاوی» یکی از ویژگی‌های سرمایه مالی است که برای سیادت و سلطه بر جهان به هر سوئی شاخ‌اش را نشانه می‌گیرد و این رفتار بیمارگونه را می‌توان در عرصه ملی و بین‌المللی دونالد ترامپ مشاهده کرد. دونالد ترامپ یک‌شبه از آسمان نازل نشده است، او نماینده سرمایه مالی آمریکاست که با تمام تناقضات‌اش برای پاسخ به تأمین منافع امپریالیسم آمریکا و تداوم هژمونی او در جهان ظاهر شده و باید از دولت پنهان پیروی کند و چنین نیز کرده است.

ترامپ نماینده سرمایه مالی گاو جنون‌زده ابر قدرت آمریکاست که هیچ‌گونه انسجام موضوعی و یا رفتاری را نمی‌توان از آن دریافت. وی ظاهراً یک فرد است، اما فردی که سیاست جنگ و جنون آمریکا در خاورمیانه را نمایندگی می‌کند و با شکست روبرو شده است. سیاست‌های جنگ و جنون منطقه خاورمیانه آمریکا نه تنها نتیجه مطلوب نظم نوین جهانی را به ارمغان نیاورده است، بلکه موجب افزایش نفرت از آمریکا و بی‌اعتبار شدن این کشور و انزوای او در عرصه سیاست خارجی نیز شده است. بن بست سیاست امپریالیسم آمریکا در قبال برخورد با ایران و شکست‌اش در عرصه منطقه خاورمیانه، نشان از ظهور دسته‌بندی‌های جدید امپریالیستی در جهان است، جهانی که در حال شکل‌گیری و گذار از سیاست تک‌قطبی به سیاست چندقطبی است. سرگیجه‌گی، ضعف و جنون آمریکا در شرایط کنونی باید در بستر چنین تحولات جهانی مورد تبیین قرار گیرد.

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان پیوندید!



«فقر» وجه مشترک ۱۵۲ میلیون کودک کار در جهان

طبق آمار یونسف هنوز هم ۱۵۲ میلیون دختر و پسر در جهان در گروه کودکان کار قرار می‌گیرند. در ایران، فقر، شکاف طبقاتی، بی‌سرپرستی، حاشیه‌نشینی و تعمیق سیاست‌های نئولیبرالی بر شمار کودکان کار افزوده است.

چاره درد کودکان کار، چه در ایران، چه در جهان برانداختن نظام سرمایه‌داری است که بنا بر سرشت‌اش و برای کسب سود باید انسان و طبیعت و کلیت هستی بشر را به بند کشد و جامعه را به پرتگاه نابودی سقوط سوق دهد. سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت از ظلمت سرمایه و فقر و تباهی است و جز این نیست.

<https://t.me/totoufan>

کانال رسمی تلگرام، وابسته به حزب کار ایران - توفان

امپریالیسم آمریکا به عنوان نیروی مهاجم و متجاوز یا رژیم جمهوری اسلامی و یا هر دو همزمان؟

زیوا روشن نیست اگر امپریالیسم آمریکا قصد تجاوز به ایران را دارد، آنوقت سرنگونی رژیم و حق تعیین سرنوشت ملت به دست خویش در کجای این شعار نهفته است. آیا سرنگونی رژیم به دست امپریالیسم و نیروی خارجی به توده مردم و بویژه طبقه کارگر و زحمتکش مربوط است یا نه؟ اگر مربوط است آنوقت تاکتیک و سیاست مستقل حزب سیاسی طبقه کارگر کدام است؟

زیوا روشن نیست آیا توده مردم باید در مقابل تعرض و تهاجم خارجی مخالفت ورزند و در مقابل آن به‌ایستند، یا در پارکبی ارتش متجاوز برای سرنگونی رژیم خیز بردارند؟

زیوا روشن نیست تاکتیک پیش‌گیرانه و ممانعت از تجاوز برای بسیج افکار عمومی و نیروهای ضدجنگ و تحریم و تجاوز در کجای این شعار نهفته است. روشن نیست آیا نیروهای هوادار رژیم از لبنان، فلسطین، یمن و عراق و یا شهروندان اروپایی و آمریکایی ... مخالف تجاوز و جنگ حق شرکت در جبهه همگانی صلح را دارند و یا اینکه چنین جبهه‌ای فقط شامل حال نیروهای سرنگونی طلب می‌شود؟

شعار «دست‌ها از مردم ایران کوتاه باد!» به‌رغم ظاهر درست‌اش اما بسیار متناقض است و عملاً در قبال نزاعی که در گرفته و سرنگونی رژیم توسط امپریالیسم بی‌طرف است و آنطور می‌نماید که به او مربوط نیست، **زیوا ماهیت رژیم ارتجاعی و ضد مردمی است.** با این توصیف سرنگونی رژیم‌های عراق، لیبی و افغانستان به طراحان این شعار مربوط نبوده، زیرا هدف غایی و نهائی‌شان تحت هر شرایطی سرنگونی رژیم اسلامی است و وظیفه جبهه‌های ضدجنگ باید برای سرنگونی رژیم‌ها ارتجاعی باشد، نه مخالفت با تجاوز و ممانعت از جنگ. نیروهایی که چنین شعار می‌دهند دارای هر نیت خیری که باشند، دچار تناقضات بی‌شمارند، آگاهانه یا ناآگاهانه آلوده به تفکرات ترسکیستی و پیش‌برنده خط تفرقه‌افکنانه و خرابکارانه در پیکار علیه تجاوزات امپریالیستی به ممالک تحت ستم و ضعیف هستند. چنین سیاستی همسو با سیاست‌های الحاق‌گرانه امپریالیستی است، فاقد دورنما و تاکتیک روشن از شرایط مشخص است، به سردرگمی مردم دامن می‌زند و در نتیجه مُنجر به تضعیف جنبش ضدجنگ می‌شود.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



مُرسی را به صورت «دمکراتیک» به قتل رساندند

تحلیلی درباره تحولات مصر

امپریالیسم آمریکا، که سال‌هاست در مصر جولان داده و این کشور را در منطقه نفوذ خود به شمار می‌آورد، برای ممانعت از پیشروی انقلاب مردم مصر، ارتش را به سازش با «محمد مُرسی»، رهبر اخوان المسلمین ترغیب کرد، تا نظم کهن در قالب تعدیل یافته‌ای ادامه یابد و منافع امپریالیسم و کلان سرمایه‌داران تأمین گردد. انقلاب نیمه‌تمام مصر اما ادامه یافت و مردم انقلابی نه تنها سیاست‌های حکومت ارتجاع اسلامی را برنتابیدند، بلکه برای تحقق مطالبات دمکراتیک خود و استقرار یک رژیم مستقل سیاسی به مبارزات خود شدت بخشیدند و هر روز قوی‌تر در مقابل ارتجاع و توطئه‌های آنها صف‌آرایی کردند. کودتای نظامی ارتش مصر در چنین شرایطی قابل پیش‌بینی بود. در شرایط فقدان یک بدیل نیرومند ملی و دمکراتیک، ارتش مصر اینبار نیز در کسوتِ ناجی مردم مصر ظاهر گشت تا به رتق و فتق امور به‌پردازد و با توسل به «مشروعیت مردمی» آتش انقلاب مردم را خاموش سازد. دلیل حمایت امپریالیست‌ها از این «کودتای دمکراتیک» جز خاموش ساختن آتش انقلاب نبود. «محمد مُرسی»، که در حمایت از سیاست‌های نئواستعماری امپریالیسم و عملیات محافل تروریستی و آدمخوار اسلامی، نظیر داعش در همدستی با عربستان سعودی، ترکیه و ناتو در سرنگونی رژیم بشار اسد،

کمک چین «کمونیست» به پیشبرد برنامه ساخت موشک‌های بالستیک در عربستان

به گزارش اسپوتنیک، سی، ان، ان با استناد به سه منبع گویا مطلع ادعا می‌کند که طبق داده‌های سازمان اطلاعات آمریکا، کمک چین به پیشبرد برنامه ساخت موشک‌های بالستیک در عربستان بطور محسوس سرعت بخشیده است.

سی ان ان گزارش می‌دهد که اخیراً ریاض چند خرید از چین انجام داده که در نتیجه آن زیرساخت موشکی خود را گویا گسترش داده و فناوری‌های مربوطه را تکمیل کرده است. اینکه دولت ترامپ از فعال‌شدن برنامه موشک‌های بالستیک عربستان سعودی خبر داشت، اما این مطلب را به اعضای کنگره خیر نداده بود، باعث نارضایتی نمایندگان حزب دموکرات شده است. سی ان ان تأکید می‌کند که سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا نتوانسته‌اند اهداف دقیق ریاض را معلوم کنند، اما چنین اقداماتی از سوی عربستان می‌تواند حاکی از تمایل این کشور برای دستیابی به کلاهک‌های هسته‌ای باشد. این شبکه تلویزیونی برای اثبات ادعای خود سخنان محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی را نقل می‌کند که در سال ۲۰۱۸ گفته است که «اگر ایران بمب اتمی به‌سازد، ریاض نیز این کار را انجام خواهد داد». با این حال سخنگویان وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سوال سی، ان، ان یادآور شدند که عربستان پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای را امضا کرده و به پیروی از تعهدات خود درباره عدم تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای ادامه می‌دهد و هدف آمریکا جلوگیری از ظاهرشدن سلاح کشتار جمعی و سیستم‌های مربوطه در خاورمیانه است.

چین «کمونیست» به عربستان برای تکامل موشک‌های بالستیک یاری می‌رساند، به این رژیم متجاوز و متحد آمریکا و دشمن خلق‌های منطقه سلاح می‌فروشد و با سایر امپریالیست‌ها برای کسب سود رقابت می‌کند. روسیه نیز با همین انگیزه به ترکیه و سایر ممالک سلاح می‌فروشد. انگیزه چنین مناسباتی سودایی جز کسب سود نیست و این در سرشت نظام سرمایه‌داری است. این نشان می‌دهد که نه ماهیت چین «کمونیستی» است و نه ماهیت روسیه «انقلابی»، بلکه ماهیت هر دو نظام امپریالیستی است و دولت‌ها به نمایندگی از سرمایه مالی عمل می‌کنند و حافظ منافع سیستم امپریالیستی‌اند و جز این نیست.

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان بپیوندد

خوشبین بود، اما سرانجام دستمزد خوش خدمتی اش را دریافت کرد و از اریکه قدرت به زیر کشیده شد.

«محمد مُرسی» روز دوشنبه ۱۷ ژوئیه در حین محاکمه بیهوش شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. دادگاه «محمد مُرسی» برای بررسی اتهام «جاسوسی» علیه وی تشکیل شده بود. بر اساس اطلاعات منابع قضائی مصر، درباره نحوه درگذشت «محمد مُرسی» گفته شد «او بعد از حاضر شدن در دادگاه برای حدود ۵ دقیقه از پشت قفس شیشه‌ای در مقابل قاضی صحبت کرد و از حال رفت». مُرسی برای تقریباً شش سال در حبس انفرادی نگاه‌داری شد و تحت شکنجه‌های روحی و جسمی قرار داشت و از هیچ حقوقی برخوردار نبود. ممالک غربی در مورد نقض حقوق بشر و اعمال شکنجه بر وی کاملاً سکوت کرده‌اند و یکبار دیگر نشان داده‌اند که حقوق بشر امپریالیستی، حقوق بشر تجزیه‌پذیر است و در جهت منافع اقتصادی و سیاسی طبقه حاکم عمل می‌کند. کودتای ضددموکراتیک و شکنجه و قتل «محمد مُرسی» و سرکوب خونین هواداران او محکوم است، اما محکومیت این کودتای امپریالیستی و دفاع از حقوق دموکراتیک زندانیان و همه مخالفین به معنای تأیید تفکر و عمل سیاسی «محمد مُرسی» و اخوان‌المسلمین در مصر نیست.

انتخاب «مُرسی»، رئیس حزب «آزادی و عدالت»، شاخه سیاسی گروه اخوان‌المسلمین، که در آمریکا تحصیلاتش را به پایان رسانده بود، تلاشی بود تا جناح معتدل اخوان‌المسلمین بر سر کار آید. آنها در یک انتخابات دموکراتیک نه تنها قانون اساسی را مطابق نظر خود، بلکه رئیس جمهور و اعضاء مجلس را نیز مطابق توان و قدرتی که در جامعه داشتند، انتخاب کردند. وقتی قدرت را به دست گرفتند، مصمم شدند که با مشروعیت «دموکراتیک» همه قوانین دموکراسی را با چماق اسلام و دین، با تکفیر مخالفان، سرکوب کنند و به اعمال بدترین نوع استبداد در مصر به پردازند. تجربه مصر بار دیگر نشان می‌دهد که اسلام و دموکراسی و بطور کلی دین و دموکراسی مانند جن و بسم‌الله هستند. یک حکومت آسمانی نمی‌تواند دموکراتیک باشد، زیرا که «دموکراسی» یک اصل زمینی است و نه آسمانی. آنها بر ضد مسیحیان قبطی که مصری هستند به عنوان «کافر» به مبارزه برخاستند، به تروریسم اسلامی سازمان دادند، ترورهای توریست‌ها را در زمان ریاست جمهوری مبارک تأیید کردند و تروریست‌های اسلامی را، که مجرم جنائی بودند، آزاد ساختند و امکانات در اختیارشان گذاردند و رفتند که خیابان‌ها را با چاقو کشان و اوباشان اسلامی نظیر کاری که حزب‌الله‌ای‌های خمینی - رفسنجانی - خامنه‌ای در ایران کردند، در مصر نیز

قُوق کنند. به زنان یورش بُردند، تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد را نفی کردند؛ تلاش کردند با ایجاد فضای رُعب و وحشت پوشش اجباری را به همه تحمیل کنند. آنها آموزش را به دوران جاهلیت برگرداندند و آموزش را با دین رنگ آمیزی کردند. آنها به تاریخ مصر توهین کردند و به آثار باستانی مصر به عنوان بقایای بت پرستی تاختند و اگر دست‌شان می‌رسید مانند مجسمه بودا در افغانستان مجسمه فراعنه را با بمب متلاشی می‌کردند. آنها به مخالفت با صنعت توریسم برخاستند، که بسیاری ممالک خارجی در آنها سرمایه‌گذاری‌های کلان کرده بودند و محل امرار معاش میلیون‌ها مصری بود. آنها با ایجاد عدم امنیت و فضای ترور با اعتقاد به اینکه «اقتصاد مال خرد» است، این منابع اقتصادی مردم مصر را نابود کردند. در دوران ریاست جمهوری «مُرسی» اقتصاد مصر ویران شد، وضع معاش مردم به خرابی گرائید، ولی در عوض خفقان افزایش یافت و «مُرسی» به عنوان دست‌درازشده قطر و حتی موقتاً عربستان سعودی و هابیس، در حالی که از جانب آنها تقویت می‌شد، به دخالت در امور داخلی لیبی، سوریه و فلسطین پرداخت. تلاش کرد در محاصره ایران و تخریب نفوذ ایران در منطقه و دامن زدن به جنگ شیعه و سنی زبان غیررسمی آمریکا و عربستان سعودی شود. وی بر ضد دولت قانونی بشار اسد در سوریه اعلام جهاد داد و از طریق مصر جانان «بالفطره» را به عنوان «آزادی‌خواهان» سوری مورد تقویت و حمایت قرار داد و امکانات تدارکاتی فراوانی برای آنها فراهم ساخت، تا در سوریه به آدمکشی به پردازند. وی در نشست کشورهای غیرمتعهد در ایران نقش بسیار ارتجاعی بازی کرد و تلاش نمود تا نشست را بر ضد دولت مستقل سوریه به شوراند. این سیاست خارجی با شکست کامل روبرو شده بود. «مُرسی» نه در عرصه خارجی حمایت مردمی داشت و نه در عرصه داخلی توانست نفوذ خود را حفظ کند. ارتش، که مترصد فرارسیدن چنین وضعی بود و می‌دانست گذشت زمان به نفع اخوان‌المسلمین کار نمی‌کند و آنها را به سرعت به انفراد می‌کشاند، دست سلفیست‌ها و چاقو کشان و عمال متعصب مذهبی را برای سرکوب حقوق شهروندان باز گذاشت و ناظر بی‌طرف کشتار قبطی‌ها بود تا فرصت طلائی را به کف آورد و به لحظه موعود برسد. وقتی اخوان‌المسلمین در درون و بیرون به انزوا کشیده شدند و فریاد مردم از دست ستم آنها به هوا رفت، سر و کله ارتش به عنوان ناجی پیدا شد که اخوان‌المسلمین را به جای خود نشانند و با تاکتیک روی کار آوردن آقای «عدلی منصور»، رئیس دادگاه قانون اساسی مصر، خود را «دموکرات» و حامی «قانون» نشان داد و با مهارت به پشت پرده عقب نشست، تا



تصویری از اعتراضات کارگران کارخانه کاشی نیلوفر بیرجند. پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۸

در جبهه نبرد طبقاتی

«دهانت را می‌بویند مبادا گفته باشی دوستت دارم»

اخبار و گزارشات کارگری خرداد ۱۳۹۸م

در حالی که خطر تجاوز امپریالیستی میهن عزیزمان را تهدید می‌کند، سردمداران بی‌خرد جمهوری اسلامی علیه کارگران، مزدبگیران، زنان، آزادگان و روشنفکران مردمی، این صاحبان واقعی سرزمین ایران دسیسه چینی می‌کنند و تلاش انسانی و شرافتمندانه برای یک زندگی شایسته و درخور را با برخوردی به غایت وحشیانه، با اتهام‌زنی، زندان و غل و زنجیر پاسخ می‌دهند. در صورتی که اگر سر سوزنی عقل و درایت می‌داشتند، با برقراری آزادی فعالیت تشکلات مستقل و دیگر آزادی‌های دمکراتیک و ایجاد امکان معیشتی بالای خط فقر برای کارگران و زحمتکشان، پشت خود را به کوهی از پشتیبانی بی‌دریغ مردمی می‌دادند، تا به سازشی ننگین در آینده تن در ندهند. ولی رژیم اسلامی با تفکرات عصر حجری خود می‌کوشد با توسل به فریب و با ارگان‌های ضد مردمی و ضد کارگری به سرکوب توده مردم به پردازد و در همان حال سعی و تلاش دارد، تا با سازش با امپریالیست‌ها، این دشمنان ایران و ایرانی در غارت ایران سهم داشته باشد.

ولی کارگران و دیگر زحمتکشان آگاه و مبارز، میهن دوست و انترناسیونالیست نه تنها فریب رژیم سرمایه‌داری را نمی‌خورند و مرعوب تهدیدها و ستم کاری نظام اسلامی نمی‌شوند، بلکه شجاعانه در مقابل دروغ‌گویی، تحریم، تهدید و تجاوز احتمالی امپریالیستی به ایران در مقابل زورگویی‌های امپریالیستی می‌ایستند و در همان حال در دفاع از زندگی شرافتمندانه به مبارزه علیه اجحافات سرمایه‌داران ریز و درشت اسلامی، در کارخانه و زندان، ادامه می‌دهند.

از آن پشت اوامرش را اجراء کند. ارتش، کشور مصر را در منطقه نفوذ آمریکا حفظ کرد. ارتش و غرب به اخوان المسلمین و سایر نیروهای سیاه ارتجاعی، نظیر سلفیست‌ها، وهابیت‌ها و... برای سرکوب‌گری و خرابکاری در منطقه و ممانعت از رشد جنبش دموکراتیک و انقلابی در مصر نیاز داشت و دارد. حکومت اسلامی اخوان المسلمین در این دوران کوتاه نشان داد که جریان‌های اسلامی نمی‌توانند دموکرات باشند و آمال مردم را برآورده کنند. نقشی که آنها در مصر ایفاء کردند، مقاومت در مقابل انقلاب و مبارزه با پیشرفت محتوم تاریخ بود.

پس از به کف گرفتن قدرت از جانب ارتش، ده‌ها هزار تن از طرفداران «مُرسی»، که اعتراضات را «کودتایی علیه دموکراسی» می‌خوانند، به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض زدند. سرکوب خونین طرفداران «مُرسی» و همه مخالفان کودتای آمریکایی در طول شش سال اخیر انقلاب مصر را از نفس انداخت و نظم گذشته را در لباسی دیگر احیا کرد.

مردم مصر باید بیاموزند که تئوری «بد بهتر است یا بدتر» را به دور اندازند و با تحلیل از شرایط مشخصی که در مصر به طور عینی پدید آمده است و با توجه به تناسب قوای طبقاتی، در مقابل حکومت نظامی ارتجاعی «السیسی» که دشمن آزادی و استقلال و رفاه اجتماعی بوده و سیاست خارجی ارتجاعی و تجاوزکارانه دارد، به‌ایستند و سنگرهای انقلاب را که با خون صدها تن به دست آمده است، حفظ و از آن پاسداری نمایند. پیروزی مردم مصر حتی در عرصه دموکراتیک در گرو رهبری حزب واحد لنینی است که با سازماندهی توده‌ها خود را برای نبردی دیگر و سرنگونی رژیم «السیسی» و استقرار یک حکومت مستقل حامی کارگران و عموم زحمتکشان آماده کند.

<https://t.me/totoufan>

به کانال تلگرام توفان پیوندید



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

رونوشت به: رسانه‌ها جهت حمایت و انتشار»

شرکت واحد

۱ خرداد

رضا شهابی، نماینده اعزامی سندیکای کارگران شرکت واحد به پنجاه دومین کنگره س ژت در شهر دیزون فرانسه، دیدارهایی با نمایندگان مدیر «سندیکای سی یو تی برزیل»، «و گائو مودی»، دبیر کل سندیکای ان تی یو آی هند، «پامیرول حق امین»، رئیس سندیکای کارگران بنگلادش داشته‌اند و همچنین با «بلیک هارول»، هماهنگ کننده بین الملل سندیکای یونایتد هیبر امریکا دیدار داشته‌اند.

۲ خرداد

«رضا شهابی» در این روز با دبیرکل س ژت بورکینا فاسو و دبیرکل سندیکای سی دی تی ان نیجریه و دبیرکل سندیکای سی یو تی شیلی دیاز سانچز و مسئولان سندیکای اسپانیا دیدار کردند.

۳ خرداد

چهاردهمین کنگره کنفدراسیون اروپایی اتحادیه‌های کارگری درباره آزادی و محافظت از کارگران سندیکالیست در ایران قطعنامه‌ای را به تصویب رساند. در این قطعنامه آمده است «چهاردهمین کنگره کنفدراسیون اروپایی اتحادیه‌های کارگری سرکوب تظاهرات در ایران در روز اول ماه مه، خشونت علیه مردم توسط پلیس، دستگیری و بازداشت ده‌ها تن از نمایندگان اتحادیه‌های کارگری مستقل ایران را به شدت محکوم می‌کند. ... علاوه بر این، کنگره چهاردهم یادآور می‌شود که خروج دولت آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، که در وین در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ امضا شد، تهدیدی است برای صلح منطقه و فقط بر فشار بر حقوق کارگران و اتحادیه‌های کارگری در ایران می‌افزاید. اتحادیه‌های کارگری اروپایی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌خواهند که برجام را حفظ کنند».

یک هزار تن خواستار آزادی بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر شدند.

در اعتراض به بازداشت کارگران، بازنشستگان و دانشجویان در روز جهانی کارگر و کارگران هفت تپه، بیش از یک هزار تن با امضا طوماری، آزادی بازداشت‌شدگان را خواستار شدند. جمع‌آوری امضای این فرم نگار همچنان ادامه دارد.

۴ خرداد

«رضا شهابی» در میان استقبال تعدادی از همکاران و خانواده به تهران بازگشت.

زندانیان جنبش کارگری

۸ خرداد

در خرداد ماه مبارزات کارگران و زحمتکشان برای به دست آوردن خواسته‌های به حق خود و تلاش برای آزادی مبارزان حق طلب از زندان، با شور فراوان ادامه یافت، که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

هفت تپه

۷ خرداد ماه

پرونده «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان»، «امیر امیرقلی»، «ساناز الله‌یاری»، «امیرحسین محمدی‌فر»، «عسل محمدی» و «علی نجاتی» به دادگاه انقلاب تهران ارسال شد. دادسرای اوین با آزادی موقت آن‌ها مخالفت کرده است. ولی کارگران و زحمتکشان ایران بر آنان ارج نهاده و برای آزادی آنان از هیچ کوششی فرو گذار نیستند و تا آزادی آنان از مبارزه دست نخواهند کشید.

۱۳ خرداد

دوشنبه ۱۳ خردادماه «سپیده قلیان» از زندان اوین به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

۳۱ خرداد

کمپین آزادی بازداشتی‌های هفت تپه و زندانیان ترقی‌خواه، در متن اعلامیه کمپین آمده است «کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، روشنفکران و مردم آزادیخواه و برابری طلب! چند ماه است که تعدادی از کارگران و فعالان کارگری در ارتباط با اعتراضات کارگران هفت تپه در زندان به سر می‌برند و گروهی بیرون از زندان و تحت بازجویی و فشار مداوم قرار دارند. ...

این کمپین با رد این اتهامات از بن بی‌اساس در تلاش است که برای آزادی هرچه زودتر و بی قید و شرط آنان از تمام امکانات موجود خود استفاده کرده و از تمام کارگران و فعالان کارگری، تشکل‌های مستقل کارگری داخلی و بین‌المللی، دانشجویان، خانواده‌های زندانیان سیاسی و ترقی‌خواه، حامیان طبقه کارگر، همه رسانه‌ها و تمام آنانی که دل در گرو آزادی و برابری دارند، می‌خواهد که در جهت به فعل رساندن این هدف به این کمپین پیوسته و تا آزادی این عزیزان همبسته و همگام صدای زندانیان هفت تپه باشند.

رونوشت به: «فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری کشاورزی و خوار و بار» (IUF) رونوشت به: «کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری» (ituc)

رونوشت به: «سازمان جهانی کار» (ilo) رونوشت به: «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه»، «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، «کانون‌های صنفی معلمان در ایران».

رونوشت به: تشکلات و جریان‌های مستقل جنبش کارگری در ایران و جهان جهت بررسی، حمایت و اقدام لازم

از زندانیان حتی آب شرب نیز در آن به زحمت در دسترس زندانیان قرار می‌گیرد.

۱۸ خرداد

احضار «سید رسول طالب مقدم»، از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب. «سید رسول طالب مقدم» از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، که در مراسم روز جهانی کارگر، ۱۱ اردیبهشت، توسط عوامل امنیتی مقابل مجلس بهارستان در اعتراض به معیشت کارگران دستگیر شده بود، با قرار ۲۸۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد.

برای این کارگر سندیکایی دو قرار از سوی بازپرسی دادسرای اوین صادر شد که قرار اول ۲۵۰ میلیون تومان قرار وثیقه و قرار دوم ۳۰ میلیون تومان قرار کفالت بوده، که پس اجراکردن این دو قرار، از بند ۲۰۹ زندان اوین آزاد شد، روز ۱۸ خرداد توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شد که باید در عرض دو روز خودش را به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب معرفی کند.

«عثمان اسماعیلی»، فعال کارگری طی ابلاغیه کتبی از سوی شعبه اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب سقز جهت اجرای حکم فراخوانده شد.

براساس ابلاغیه‌ای که توسط شعبه اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان سقز روز شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۸، تنظیم و به دست «عثمان اسماعیلی» رسیده است، وی باید ظرف ۵ روز دیگر برای اجرای حکم سه ماه حبس تعزیری خود را به این شعبه معرفی کند.

۲۲ خرداد

تذکر یکی از نمایندگان در صحن علنی مجلس، با آوردن نام «مرضیه امیری» و «کیوان صمیمی» که از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر هستند، به وزرای اطلاعات و دادگستری برای پیگیری وضعیت ایشان.

۲۵ خرداد

«وحید فریدونی» که با قرار کفالت از زندان آزاد شده است، باید در روز ۵ تیرماه در دادگاه کارکنان دولت حاضر شود. در حال حاضر ۴ تن از بازداشتی‌های روز جهانی کارگر به نام‌های «کیوان صمیمی»، «مرضیه امیری»، «ندا ناجی» و «عاطفه رنگ‌ریز» همچنان با گذشت بیش از ۴۴ روز از زمان بازداشت در زندان به صورت بلا تکلیف هستند.

سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت و زندانی کردن اعضای سندیکا و دیگر فعالین کارگری و صنفی را محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر و دیگر فعالین صنفی و کارگری در زندان است.

۲۷ خرداد

«کیوان صمیمی» صبح ۱۱ اردیبهشت در ارتباط با مراسم روز

«نسرین جوادی» آزاد شد. «اعظم خضری جوادی» (نسرین جوادی)، از اعضای هیأت مؤسس «بستا» با قرار وثیقه آزاد گردید.

شورای کارگری بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی (بستا) اعلام کرد، گرانی، تورم و بدنبال آن فقر و فلاکت روزانه افزایش یافته و کمر خانواده‌های کارگری زیر بار این همه گرانی خم شده است و وضعیت خانواده‌های بازنشستگان بسیار وخیم‌تر است، ما اگر خواهان مطالبات مان شویم، با دستگیری و زندان روبرو خواهیم شد.

ما ضمن محکوم نمودن دستگیری بازنشستگان و کارگران، آزادی نسرین جوادی را به ایشان و خانواده محترم‌شان تبریک می‌گوییم و اعلام می‌داریم که ما بازنشستگان با متشکل شدن در شورای کارگری «بستا» حقوق و مطالبات خویش را قدرتمندتر پی‌گیری خواهیم کرد.

شورای کارگری بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی (بستا)

۱۱ خرداد

بعد از گذشت بیش از ۳۰ روز از بازداشت «حسن سعیدین»، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد قرار بازداشت او به قرار وثیقه ۳۳۰ میلیون تومانی تبدیل شد.

در همین ارتباط قرار بازداشت «ناهید خداجو» و «فرهاد شیخی» از دیگر بازداشتی‌های روز جهانی کارگر به قرار وثیقه تبدیل شد.

۱۳ خرداد

تجمع جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در سازمان امور دانشجویان در اعتراض به عدم پیگیری وضعیت «مرضیه امیری» توسط مسئولین دانشگاهی.

«ناهید خداجو» و «حسن سعیدی» با قرار وثیقه ۳۳۰ از زندان اوین آزاد شدند.

۱۴ خرداد

تجمع جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در سازمان امور دانشجویان در اعتراض به عدم پیگیری وضعیت «مرضیه امیری» توسط مسئولان دانشگاهی.

۱۷ خرداد

«عاطفه رنگ‌ریز» و «سپیده قلیان» در قرنطینه زندان قرچک ورامین در شرایط نامناسبی نگهداری می‌شوند.

«سپیده قلیان»، که روز دوشنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۳۹۸ از بند زنان زندان اوین به زندان قرچک ورامین منتقل شده بود، همچنان در قرنطینه این زندان نگهداری می‌شود. هم‌چنین «عاطفه رنگ‌ریز»، از بازداشتی‌های روز جهانی کارگر در تهران، نیز از روز ۱۱ خرداد ماه جاری در همین بند نگهداری می‌شود. این در حالی است که زندانیان طبق روال زندان تنها ۳ شب در قرنطینه نگهداری می‌شوند. بند قرنطینه زندان قرچک ورامین فاقد امکانات لازم برای زندانیان بوده و به گفته برخی

جهانی کارگر مقابل ساختمان مجلس بهارستان توسط عوامل امنیتی بازداشت شد که پس از ۴۸ روز بازداشت به قید وثیقه از زندان آزاد شد.

۲۸ خرداد

سه‌شنبه شب، ۲۸ خرداد ماه، ساعت نه و نیم، مأموران وزارت اطلاعات خانم «آیسا اسدالهی» را که از بازداشت‌شدگان روز کارگر بود و با قرار کفالت به طور موقت آزاد شده بود، در خیابان کمیل، حین کار خود، آموزش زبان، بازداشت کردند.

فرهنگیان

۵ خرداد

«اکرم نصیریان» با واگذاری وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد.

«محسن اسدی»، مدرس دانشگاه یزد و برادر «مجید اسدی»، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج، روز گذشته توسط نیروهای امنیتی، در محل کار خود در شهر یزد بازداشت شد.

کمیته دفاع از «محمد حبیبی» تلاش برای زمینه‌سازی اخراج «محمد حبیبی» از شغل معلمی توسط وزارتخانه را محکوم نموده و در اعلامیه خود آورده است: «بیش از یک سال از بازداشت معلم زندانی محمد حبیبی می‌گذرد و هنوز وزارتخانه به درخواست مرخصی بدون حقوق وی پاسخ مثبت نداده و پیگیری‌ها نشان می‌دهد که وزارتخانه قصد دارد با صدور حکم انفصال از خدمت زمینه‌های اخراج این فعال صنفی زندانی را مهیا نماید. کمیته دفاع از «محمد حبیبی» ضمن محکوم نمودن این عملکرد غیرقانونی وزارتخانه اعلام می‌دارد این عملکرد غیرقانونی وزارتخانه نشانگر سیاست سرکوب فعالان برای فشار به زندانی و خانواده زندانی است. ... کمیته دفاع از «محمد حبیبی» از کلیه فعالان و تشکل‌های صنفی و مدنی می‌خواهد در برابر این احکام سکوت نکنند و به عملکرد ظالمانه دولت اعتراض نمایند.»

شورای بازنشستگان در حمایت از «محمد حبیبی» بیانیه‌ای به شرح زیر صادر کرد. در این بیانیه می‌خوانیم: «دستگیری و صدور احکام سنگین برای فعالین معلمان و کارگران، قطع دستمزد ماهیانه و نهایتاً تلاش برای اخراج از کار آنان، سیاستی غیرقانونی و غیرانسانی است که مسئولین برای تمکین و تسلیم معترضین و دست‌کشیدن از مقاومت و تن‌دادن به شرایط موجود، اعمال می‌کنند. ... ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که «حبیبی» باید آزاد شود. بازگشت به کار و جبران خسارت‌های وارده، حق او و همه بازداشت‌شدگان و فعالین صنفی و مدنی است.»

۷ خرداد

«حسین سلامی» از کُنشگران استان مازندران امروز پس از مراجعه به دادگاه انقلاب ساری بازداشت شد.

جمعی از معلمان در اعتراض به زمینه‌سازی برای صدور حکم انفصال از خدمت معلم زندانی «محمد حبیبی» بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه آمده است: «ما امضاکنندگان این بیانیه ضمن اعتراض به زندانی نمودن فعالان صنفی و مدنی به خصوص محمد حبیبی نسبت به صدور حکم انفصال از خدمت این فعال صنفی به مسئولان هشدار می‌دهیم و مسئول شرایط اسفناک جامعه و شرایط بحرانی آموزش و پرورش را نهادهای حاکمیتی و مسئولان کشور می‌دانیم.

محمد حبیبی و تمام معلمان دربند باید فوراً آزاد گردند و به سر کلاس درس برگردند. این خواسته مهم و جدی ماست و در هر مکان و زمان آن را مطالبه خواهیم نمود.»

۱۱ خرداد

حمایت جمعی از معلمان کرمانشاه از معلمان دربند و اعتراض به حکم انفصال از خدمت «محمد حبیبی».

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه در حمایت از «محمد حبیبی» بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه آمده است «انجمن صنفی شاغلین و بازنشستگان کرمانشاه خواهان آزادی کلیه معلمان زندانی می‌باشد و توطئه اخراج محمد حبیبی را به شدت محکوم کرده، خواهان آزادی او و بازگشتش به کار می‌باشد.»

۱۲ خرداد

تجمع فرهنگیان مریوان در حمایت از معلمان زندانی و اعتراض به زمینه‌چینی جهت صدور حکم انفصال از خدمت برای «محمد حبیبی».

۱۴ خرداد

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به عدم صدور حکم مرخصی بدون حقوق «محمد حبیبی» و احکام هیأت رسیدگی به تخلفات اداری برای فعالان صنفی خراسان شمالی بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است «... شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن عملکرد هیأت تخلفات در سراسر کشور، نسبت به عواقب این همه ظلم و بی‌تدبیری به وزیر آموزش و پرورش و مسئولان مربوطه هشدار می‌دهد.

ما معتقدیم معلمان زندانی باید سریعاً آزاد گردند و روند پرونده‌سازی برای فعالان صنفی متوقف گردد و حراست و هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، به فساد روزافزون مدیران و مسئولان فاسد در آموزش و پرورش رسیدگی کنند. ...»

۱۹ خرداد

«امید شاه محمدی»، معلم و فعال صنفی دیواندره بازداشت و به زندان سنندج منتقل شد.

کارگران دیگر

۱ خرداد

از جمله مطالبات مهم این کارگران که دو سال است برای آن تلاش کرده و همچنان با مخالفت کارفرما روبروست ایجاد تشکل مستقل کارگری مثل نمونه هفت تپه است. یک کارگر که نماینده کارگران بود بازداشت شد.

۱۳ خرداد

کارگران شهرداری «کوت عبدالله» برای چندمین بار در یک ماه اخیر با تجمع مقابل ساختمان استانداری خوزستان نسبت به عدم پرداخت حقوق شان اعتراض کردند.

۱۹ خرداد

کارگران ترابری دریاچه سد کارون ۳ در بخش دهدز شهرستان ایذه در ادامه اعتراض‌های دامنه‌دارشان نسبت به عدم پرداخت مطالبات خود دست از کار کشیدند.

۲۲ خرداد

کارگران اخراجی پتروشیمی خوارزمی در مقابل پتروشیمی بندر امام دست به تجمع زدند.

کارگران خطوط تولید فازهای ۲ و ۳ کارخانه کاشی نیلوفر واقع در بیرجند، استان خراسان جنوبی، در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق دست از کار کشیدند و در مقابل این واحد تولیدی اجتماع کردند.

۲۵ خرداد

جمعی از کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله، در اعتراض به معوقات مزدی خود، در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، برای چندمین بار طی ماه جاری، دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شهرداری اشنویه در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه دستمزدشان اعتصاب کردند.

۲۶ خرداد

کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله، در اعتراض به معوقات مزدی خود، در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، برای نوزدهمین روز دست به تجمع اعتراضی زدند.

شماری از مربیان پیش دبستانی خوزستانی، در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

۲۷ خرداد

پرسنل بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به پرداخت نشدن ماه‌ها حقوق شان در مقابل سازمان همیاری شهرداری در بلوار بلال تجمع کردند.

۲۸ خرداد

تعدادی از عکاسان و صاحب صنف عکاسی در مقابل ساختمان استانداری یزد دست به تجمع زدند.

کارگران راه آهن نورآباد و شازند اراک برای گرفتن حقوق شان دست به تجمع زدند.

تجمع و ادامه اعتراض و اعتصاب کارگران پالایشگاه بیدبلند بهبهان، خوزستان.

کارگران کارخانه آرد غنچه اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در مقابل بانک توسعه تعاون اهواز اقدام به تجمع کردند.

۲ خرداد

اعتراض کارگران کارخانه «ایران قوطی» واقع در قزوین (شهر صنعتی البرز) نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی شان همچنان ادامه دارد. کارخانه ایران قوطی بطور کامل تعطیل و تمامی کارگراتش با ماه‌ها حقوق معوقه، بیکار شده‌اند.

برای چهارمین روز متوالی، کارگران معدن سرب و روی کوشک باقی در اعتراض به کاهش حقوق دست به اعتصاب زدند.

۳ خرداد

گروهی از کارکنان بیمارستان فوق تخصصی «خمینی» کرج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود، روزهای سوم و چهارم خرداد ماه تجمع کردند.

۴ خرداد

تجمع اعتراضی کارکنان اخراجی منطقه ویژه پارس، در جلوی ورودی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس.

۵ خرداد

کارگران خدماتی خط یک قطار شهری تهران، که شمار آنها به ۲۵۰ تن می‌رسید، به آنچه نامشخص بودن وضعیت شغلی و مزدی شان با خروج پیمانکار عنوان می‌کردند، معترض شدند. این کارگران ابتدا مقابل ایستگاه باغ شهر (پالایشگاه) و بعد در محدوده ایستگاه شهر ری تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند.

جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۶ اهواز، در اعتراض به عدم دریافت معوقات مزدی خود، دست از کار کشیدند.

۸ خرداد

کارگران مترو در ساختمان مرکزی کالج در اعتراض به پاسخ نگرفتن به مطالبات خود، تجمع کردند.

۹ خرداد

کارگران معترض را هدف گلوله قرار دادند در درگیری میان شماری از کارگران معترض به ساخت دو سایت ضد عفونی تانکرهای سوخت و اداره کل پایانه‌های حمل و نقل بندر خمینی، دو کارگر با گلوله تفنگ شکاری زخمی و در بیمارستان بستری شدند.

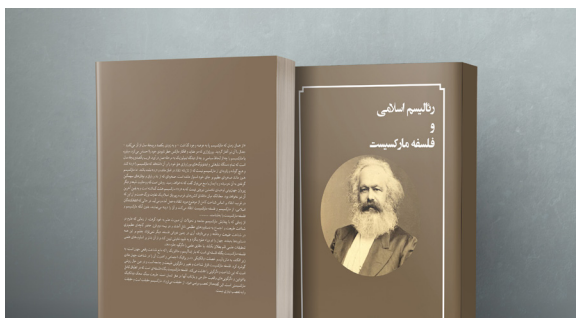
۱۲ خرداد

در شهرستان شوش تعدادی از کارگران کاغذسازی پارس برای کسب مطالبات صنفی خود دست به اعتراض زدند.

- در این ماده به بازنشستگان مشمول همانند شاغلین.
۴. فراهم کردن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بیمه‌ای واحد، کارآمد و متناسب با شرایط سنی بازنشستگان.
 ۵. اجرای ماده ۸۵ قانون و اقدام برابر در بیمه‌های پایه و مکمل بازنشستگان زیربط هر دستگاه اجرائی همانند شاغلین آن دستگاه.
 ۶. اجرای ماده ۱۲۵ قانون در پرداخت مطالبات معوقه ناشی از ما به التفاوت افزایش‌های سالانه با نرخ تورم هر سال از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۳.
 ۷. اجرای ماده ۳۰ قانون برنامه ششم توسعه کشور و متناسب‌سازی حقوق‌ها برابر نرخ تورم اعلام شده بانک مرکزی
 ۸. تبدیل صندوق بازنشستگی به سازمان بازنشستگی کشوری.
 ۹. رساندن حداقل حقوق بازنشستگان کشوری به بالای خط فقر.
- در خاتمه یکبار دیگر اعلام می‌نمایم بازنشستگان برای نیل به حقوق قانونی خود از همه راه‌های قانونی استفاده نموده و تا رسیدن به حقوق مغفول‌مانده خود از پای نخواهند نشست.
- تجمع بازنشستگان در میدان فاطمی تهران در اعتراض به حقوق پایین و اجرایی‌نشدن قانون خدمات کشوری در مورد اختلاف بیش از ۵۰ درصدی بین حقوق شاغلین و بازنشستگان، برگزار شد.

بسیاری از زندانیان سیاسی و زندانیان جنبش کارگری یا هنوز در زندان هستند و یا با سپردن وثیقه به صورت موقت آزاد گشته‌اند ولی مبارزه کارگران و مزد بگیران و دیگر زحمتکشان و آزادی خواهان برای کسب خواسته‌های برحق و انسانی در کارخانه و خیابان و حتی در زندان ادامه دارد و تا به دست آوردن یک زندگی شایسته از پای نخواهند نشست.

چاره کارگران و زحمتکشان تشکیلات است!



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید

کارگران فضای سبز شهرداری کوه عبدالله، در اعتراض به بلا تکلیفی در وضعیت پرداخت مطالبات‌شان در مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.

بازنشستگان

۱۶ خرداد

شورای بازنشستگان ایران با انتشار فراخوانی تمامی بازنشستگان را به تجمع مقابل مجلس در تاریخ ۲۸ خرداد فراخواند. در این فراخوان آمده است: «... تا پایان دادن به هرگونه فشار و تهدید علیه فعالین و معترضین معیشتی و نیز توقف گرانی و تورم و افزایش فوری دستمزدها در حد تأمین یک زندگی توأم با آسایش و آرامش، به اعتراض جمعی خود بطور منسجم ادامه داده و از پای نخواهیم نشست».

به دنبال فراخوان گروه‌های مختلف بازنشستگان برای تجمع ۲۸ خرداد در مقابل مجلس، گروه اتحاد بازنشستگان نیز، همگام و متحد، آمادگی خود را برای شرکت در این تجمع اعلام داشت.

۲۰ خرداد

تجمع تعدادی از بازنشستگان کشوری مقابل صندوق بازنشستگی تهران در اعتراض به اوضاع سخت معیشتی و گرانی روزافزون.

با شعار «فریاد! فریاد! از این همه بیداد»

۲۸ خرداد

تجمع اعتراضی بازنشستگان مقابل مجلس بهارستان در اعتراض به اوضاع سخت معیشتی و گرانی‌های روزافزون برگزار شد. همچنین معترضین خواستار افزایش حقوق شاغلین و بازنشستگان شدند که باید در هر سال متناسب با سطح تورم واقعی باشد.

در قطعنامه پایانی تجمع بازنشستگان کشوری آمده است «... ما بازنشستگان کشوری، که سرمایه جوانی و نقد زندگی خود را به پای بالیدن نهال استقلال و سرفرازی ایران فدا کرده و خواهیم کرد، خواسته‌ای فراتر از امکانات موجود کشور و مطالبه‌ای خارج از حقوق شهروندی و حرفه‌ای خود بر مدار عدل و دادگری نداریم. ... خواسته‌های خود را به امید آنکه گوش شنوایی برای شنیدن و چشم بینایی برای دیدن، ظهور کرده باشد، بیان می‌شود:

۱. تصویب ملحقیات و اصلاحیه‌های قانون مدیریت خدمات کشوری در اسرع وقت حداقل پیش از ارائه بودجه سال جاری توسط دولت.
۲. اجرای کامل مواد ۶۴ و ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، که اگر این مواد تاکنون اجرا می‌شد و یا پس از این اجرا بشود، نیازی به طرح جداگانه موضوع همترازی حقوق بازنشستگان با شاغلین نمی‌بود.
۳. اجرای ماده ۶۸ و پرداخت فوق‌العاده‌های پیش‌بینی شده



گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان گرامی توفان، اخیراً چند مقاله از پرفسور والتین کاتاسانوف، مشاور اقتصادی اسبق دبیر کل سازمان ملل متحد، پژوهشگر پشت صحنه با ترجمه آقای ام. شیری در مورد تجربه صنعتی کردن اتحاد شوروی انتشار یافت. در قسمت پایانی مقاله در مورد ازهم گسستن ساختار اقتصادی شوروی، غروب اقتصاد صنعتی کردن، نویسنده علل فروپاشی شوروی را از کنگره ۲۰ و ۲۲ تحلیل کرده و قدرت گیری خروشچف را آغاز احیای سرمایه‌داری در شوروی می‌داند و شوروی بعد از خروشچف را سرمایه‌داری دولتی ارزیابی کرد.

آیا در روسیه احزاب و سازمان‌های چپ در حال تجدیدنظر در بررسی علل فروپاشی شوروی هستند؟ حزب شما این تحولات را چگونه می‌بیند؟

پاسخ: رفیق عزیز از واقعیات تاریخ نمی‌شود فرار کرد. یا باید از پژوهش تاریخ حزب رویزیونیست شوروی بعد از روی کار آمدن خروشچف صرف نظر نمود و برخورد به تاریخ را با سکوت برگزار کرد و یا اینکه به اسناد مراجعه نمود و تعصب کور را، که سرانجام در مقابل حقیقت رنگ می‌بازد، به دور انداخت. کنگره بیستم حزب کمونیست بلشویک شوروی مظهر پیروزی رویزیونیسم خروشچفی در داخل حزب بود. این پیروزی محصول دروغ، کودتا و تصفیه‌های حزبی بود. امروز مدارک‌اش را بر سر هر کوی و برزن به تماشا گذارده‌اند. روشن است که حمله و هجوم به رفیق استالین، که معمار توانای ساختمان سوسیالیسم بود، با نیت تضعیف و نابودی سوسیالیسم صورت گرفت. انتشار دروغ‌های خروشچف در کتاب مدودوف و توزیع سازمان یافته و گسترده جهانی آن به همین منظور بود.

آنگاه ضدانقلاب بورژوائی در ممالک شرق اروپا قدرت گرفتند

و مجسمه‌های استالین را پائین کشیدند. ضدانقلاب مجارستان محصول اقدامات خروشچف در نابودی سوسیالیسم بود. کنگره بیستم کسب قدرت سیاسی توسط ضد کمونیسم بود. در کنگره بیست و دوم اصلاحات لیبرمن اقتصاددان رویزیونیست و هم‌دست خروشچف تصویب و عملی گردید. وی عنوان کرد که باید به جای شاخص‌هایی که تاکنون برای اقتصاد در نظر گرفته شده‌اند، شاخص سود را شاخص اصلی قرار داد. به این ترتیب شاخص «سود» جای نقشه‌های اقتصادی را گرفت و تمرکز تولید برنامه‌ریزی شده را از بین برد. اصلاحات اقتصادی کوسیچین در کنگره بیست و دوم حزب رویزیونیست شوروی به تصویب رسید که «سود» را اهرم اقتصاد بیان کرد و اعلام نمود برای تحصیل سود حداکثر باید اصل «ذینفعی مادی» را علم کرد و بدان نیرو بخشید. وی اختیارات و اقتدار مدیران موسسات را افزایش داد و غیره.

کنگره بیست و دوم حزب رویزیونیست شوروی اجرای برنامه اقتصادی رویزیونیسم بعد از کودتای سیاسی در کنگره بیستم و حمله به «کیش شخصیت استالین» بود.

امروز حقیقت‌جویان ناچارند با این واقعیات برخورد کنند و نسل جوان کمونیست‌های شوروی نیز این حقایق را بررسی و منتشر خواهند کرد. با بروز رویزیونیسم، شوروی سوسیالیستی به یک کشور سرمایه‌داری دولتی با رهبری رویزیونیستی بدل شد که با رشد به سوسیال امپریالیسم سرانجام در رقابت با بازار آزاد اقتصاد سرمایه‌داری پیشرفته غرب مضمحل گردید.

تحول چین سوسیالیستی به سرمایه‌داری دولتی و تحول به سوسیال امپریالیسم تعصبات تاریخی را شکانده است. کمونیست‌های اصیل در پی پاسخ به این پدیده هستند و سرانجام به این خواهند رسید که رویزیونیسم دشمن کمونیسم است و خوب و بد ندارد. سخنان پرفسور والتین کاتاسانوف در مورد آغاز فروپاشی شوروی و تکامل این کشور با تحلیل‌های علمی و مارکسیستی لنینیستی حزب کار ایران (توفان) هم‌خوانی دارد. ما این تحول را مهم و در خدمت وحدت جنبش کمونیستی و نزدیکی کمونیست‌ها ارزیابی می‌کنیم. همه بلشویک‌های ایرانی باید در حزب واحد طبقه کارگر متشکل شوند و جبهه بلشویکی را تقویت کنند. راه دیگری نیست. •



Telegram
The world's fastest messaging app.
It is free and secure.

پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: فکر می‌کنید در داخل ایران و بویژه برای نسل جوان چقدر شناخته شده هستید و چقدر مردم به رهنمودهای شما توجه و عمل می‌کنند؟

حزب کار ایران (توفان) با بیش از چهل سال سابقه فعالیت سیاسی و صدها جانبخته، حزبی که به عنوان «توفانی‌ها» از زمان محمدرضا شاه در پیکار است، حزبی که دارای هویت تاریخی و دارای شناسنامه روشن سیاسی است از قبیل احزابی نیست که بعد از انقلاب چون قارچ سر از زمین درآوردند و دیر آمده، زود هم بروند.

حزب کار ایران (توفان) ناشناخته نیست. مراجعین به صفحه اینترنت توفان و توزیع نشریه حزب در ایران حاکی از آن است که آگاهان سیاسی از مواضع حزب ما بخوبی آگاهند.

پرسش دیگر شما که مردم چقدر به رهنمودهای حزب ما توجه می‌کنند پرسشی مجدداً گمراه کننده است. زیرا آنچه در درجه اول مهم است مشی سیاسی احزاب و از جمله حزب ماست. شما می‌توانید نظریات درستی داشته باشید در حالی که مردم هنوز به آن حد از درک سازمان پیش‌تاز نرسیده باشند که به رهنمودهای شما عمل کنند و همانگونه که دیدیم برخلاف نظریات «توفانی‌ها» و مخالفت آنها به دنبال خمینی رفتند. این گمراهی مردم ناشی از حقانیت خمینی نیست و نبود. مانیفست حزب کمونیست بیش از ۱۵۰ سال است که منتشر شده است، ولی هنوز اکثریت مردم در سراسر جهان حتی از وجود چنین کتابی بی‌خبرند. به این جهت پرسشی که این شبهه را القاء کند که گویا اعتبار یک شکل سیاسی وابسته به درجه شناخت آن از طرف مردم است، به کلی نادرست می‌باشد. تاریخ ایران طوری بوده است که حزب توده ایران و جبهه ملی ایران مشهورترین

سازمان‌های سیاسی ایران بودند ولی در نزد مردم فاقد اعتبارند. در شرایط خفقان جمهوری اسلامی، که همه امکانات تبلیغاتی را از ما گرفته‌اند و دست سازمان‌های جاسوسی و سازمان‌های اپوزیسیون تقلبی را بازگذاشته‌اند، تا با ۸۵ میلیون دلار آمریکائی، ۱۵ میلیون یوروی هلندی و رادیوهای بیگانه اظهار وجود کنند، حزب ما را در یک مبارزه نابرابر قرارداده‌اند. اینجاست که حزب ما به پیروزی‌های زودرس اعتقادی ندارد و سیاست راهبردی خویش را به کار طولانی توده‌ای قرار می‌دهد.

پرسش: آیا بهتر نیست صدها میلیارد دلار را که هزینه دفاع از جنگ فلسطین و سوریه و لبنان می‌کنیم به داد ملت برسیم. آیا حیف نیست هشتاد هزار سرباز به سوریه ارسال کردیم، ولی مردم ما از گرسنگی تلف می‌شوند. خروج ایران از سوریه و لبنان باعث رفع تحریم‌ها خواهد شد. غیر از این است؟

پاسخ: نخست اینکه با نظرتان و «صدها میلیارد دلار هزینه در سوریه و لبنان» موافق نیستیم. اینها همه ناشی از تبلیغات جعلی و غلوآمیز رسانه‌های امپریالیستی است، صحت ندارد.

کل بودجه نظامی رژیم حدوداً ۱۶ میلیارد دلار در سال است و کمتر از ۲ درصد آن برای امنیت ملی و برون از مرز هزینه می‌شود. علل حمایت رژیم از فلسطین، لبنان، سوریه و یمن جنبه پیش‌گیرانه سیاسی دارد که به تواند در مقابل اسرائیل و آمریکا و تجاوز احتمالی به ایستد. امروز با توجه به تشدید تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی آنچه که سبب می‌شود تا آمریکا محتاطانه در مورد ایران برخورد کند، همانا به خاطر نفوذ ایران در کشورهای لبنان، سوریه، عراق، فلسطین و یمن است.... زیرا اگر جنگی درگیرد، این جنگ فقط در محدوده ایران باقی نه خواهد ماند و کل منطقه را درگیر این حمله

امپریالیسم و تحولات دموکراتیک در ایران

امپریالیسم، به مثابه عامل خارجی، نقش مهمی در تحولات داخلی ایفاء می‌کند. هر چه فشار امپریالیست‌ها به ایران زیادتر می‌شود، هر چه عربده تهدیدهای آنها افزایش می‌یابد، هر چه دامنه دسیسه‌های آنها برای تجزیه ایران، گسترده‌تر می‌شود، هر چه فریادهای جنگ طلبی رساتر می‌گردد و محاصره اقتصادی تنگ‌تر می‌شود، هر چه درخواست‌های قلدرمنشانه آنها افزایش می‌یابد به همان نسبت رژیم جمهوری اسلامی تقویت می‌شود و ناگزیر سدی بزرگ در برابر تحولات دموکراتیک ایجاد می‌گردد که مردم باید آنرا از پیش پای خویش بردارند. این تهدیدات خارجی مورد سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت برای متحد کردن مردم در پشت سر خود. این تهدیدات ایجاد تمرکز در دستان معدودی را توجیه‌پذیر می‌سازد و جامعه را به جامعه «جنگی» بدل می‌کند. سوءظن بر حق مردم میهن ما نسبت به دخالت‌های ناروای امپریالیست‌ها در تمام طول تاریخ ایران و صدماتی که ما از آنها خورده‌ایم، وجود احساسات تاریخی میهنی، وجود روحیه میهن‌پرستانه در مقابل تجاوز خارجی و ترس از خطر نابودی تمامیت ارضی ایران، زمینه‌هایی است که جنبش دموکراتیک را در ایران به عقب می‌راند و دست رژیم را در سرکوب دموکراسی بازمی‌گذارد. استدلال مسخره امپریالیسم جایتکار آمریکا تحت رهبری دونالد ترامپ و شرکا که ما با این اهرم‌ها قصد داریم نارضائی را در ایران تقویت کنیم و سرنگونی رژیم را تسریع بخشیم، نه تنها در عمل با شکست روبرو می‌شود، بلکه نشان می‌دهد آنها به خاطر مقاصد شوم سیاسی‌شان تا به چه حد نسبت به سرنوشت مردم میهن ما بی‌تفاوت‌اند. در حقیقت امپریالیست‌ها بطور عینی در خدمت تسلط استبداد در ایران هستند و ولایت فقیه را تقویت می‌کنند. زمانی که اوپاما در آمریکا بر سر کار آمد و در ابتدا از تهدیدات قلدرمنشانه جرج بوش دست کشید و مدعی شد که قصد حمله به ایران را ندارد، زمینه خارجی رشد مبارزه دموکراتیک در ایران فراهم شد و ما دیدیم که جنبش دموکراتیک بویژه در خرداد ۸۸ تا به چه حد پا گرفت. برعکس، زمانی که فریاد تهدیدهای اسرائیل افزایش یافت و آمریکائی‌ها مجدداً دست به دامان سیاست تجاوزگرانه جرج بوش شدند، کار جنبش دموکراتیک در ایران با مشکل روبرو شد. این تجربه نشان می‌دهد که تهدیدات امروز دونالد ترامپ به طور عینی به نفع ارتجاع داخلی و به زیان جنبش‌های اعتراضی و دموکراتیک مردم ایران است و اعمالش در خدمت نظام جمهوری اسلامی تمام می‌شود. این تجربه نشان می‌دهد که امپریالیست‌ها به منافع ملت ایران نمی‌اندیشند، بلکه در پی آن هستند که از فرصت‌ها استفاده کنند، تا از آب گل آلود ماهی به گیرند. دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به نفع جنبش مطالباتی است، شرایط را برای سرنگونی به دست توده مردم فراهم می‌سازد. پس دست امپریالیسم آمریکا از ایران کوتاه باد!

احتمالی خواهد کرد.

حال باید دید که آمریکا با بیش از ۷ بیلیون دلار صرف هزینه «امنیت ملی» خود در خاورمیانه کرده است، چرا در مقابل هزینه امنیتی ناچیز ایران این همه هیاهو به راه انداخته است؟ پرسش این است: چرا سخنی از هزینه نظامی ۷۰ میلیاردی عربستان و اسرائیل نمی‌رود؟ از سویی حضور ۸۰ هزار سرباز ایرانی در سوریه از ریشه نادرست و غلوآمیز است؛ تبلیغات دروغینی است که از سوی مفسران و کارشناسان «بی بی سی» و «صدای آمریکا» تا حضور نظامی آمریکا در منطقه را کم اهمیت و نیروهای جمهوری اسلامی را متجاوز و اشغالگر جلوه دهند. ایران بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نیرو در سوریه دارد و حضور ایران بنابر دعوت دولت سوریه برای سرکوب داعش صورت گرفته است.

مگر مداخلات غرب در لیبی، عراق، افغانستان و سوریه ... موجب خوشبختی و بهبود شرایط زندگی این ملل گشته است که ما در انتظار چنین مداخله‌ای در ایران باشیم؟ مطمئن باشید اگر فردا یک رژیم دمکرات و متمدن و سکولار بر سر کار آید، نه تنها فشار آمریکا و شرکا بر ایران کاسته نه خواهد شد، بلکه دو چندان افزایش خواهد یافت. زیرا مسئله آمریکا، مسئله آزادی و حقوق بشر و موضوع هسته‌ای نیست. اینها همه بهانه است و آمریکا به دنبال سلطه بلامنازع و مطلق خود بر ایران است و نظامی می‌خواهد که همانند عربستان نوکر باشد، نه کمتر و نه بیشتر. موضوع منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا و ژئوپلیتیک و کنترل انرژی و سرکردگی او بر سایر رقباست و جز این نیست. گرانی و مصیبت کنونی در ایران محصول سیاست سرمایه‌دارانه و نئولیبرالی چهل سال حکومت جمهوری اسلامی است و این فقر و نکبت و اختلافات طبقاتی ربطی به سوریه، فلسطین و لبنان ندارد.

اگر می‌خواهیم مستقل و آزاد زندگی کنیم، باید در مقابل دشمنان داخلی و خارجی بایستیم و نقش تاریخی خود را به عنوان ایرانی وطن‌دوست و آگاه و جسور ایفاء کنیم. با شرافت زیستن و سر بلند زیستن هزینه‌ای دارد و ملتی که چنین هزینه‌ای نه پردازد، شایسته آزادی نیست.

موجودیت ایران کنونی حاصل هزاران سال نبرد مردم علیه ارتجاع داخلی و متجاوزین خارجی بوده و با شناخت درست از این تاریخ است که باید هوشیارانه علیه ارتجاع اسلامی و در پیوند با مبارزه علیه دشمنان خارجی به جلو حرکت کنیم.

**حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسانها را به رسمیت
نمی‌شناسند**

داوطلبانه و بدون فشار مالی و یا تهدید به اقتصاد جهانی، بازار آزاد، اقتصاد مملکت برپادده ریاضتی و یا به گفته خامنه‌ای «اقتصاد مقاومتی» و به عبارت بهتر به جمع غارت‌گران بین‌المللی، یعنی به سیاست اقتصادی نئولیبرالی، که در اساس همان اقتصاد نظام امپریالیستی غرب است، لیبیک گفته و لذا بی‌سبب نبود که رژیم جمهوری اسلامی از طرف این دو نهاد نامه فدایتان شویم دریافت نمود!

در دوره احمدی‌نژاد، این آدم شارلاتان و عوام‌فرب هم این روش دنبال و حتی تشدید شد و دولت فاسد او، بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار از ثروت کارگران و زحمتکشان ایرانی را به راحتی آب خوردن چایید. می‌رسیم به روحانی، این آدم مشکوک چنان با تبختر و خوشحالی از فرماندهی جنگ اقتصادی‌اش سخن می‌گوید که آدمی را بیشتر خشمگین می‌کند تا به‌خندان! دار و دسته اقتصادی او، یا همان «حلقه نیاوران» اش، که شاخه‌ای از حلقه اقتصاددانان سرمایه‌داران جهانی در شیکاگوست، یعنی «آقایان» غنی‌نژاد، سریع‌القلم، نویخت، دادکان و... در این سال‌ها چنان بلایی بر سر مردم ما آوردند که به گفته حافظ: «جز قلب تیره، هیچ‌نشد حاصل و هنوز باطل در این خیال که اکثر می‌کنند».

ماحصل سیاست اقتصادی «حلقه نیاوران» آقای روحانی آیا جز فقر و تنگدستی و اشاعه فحشاء و دزدی و دروغ و اعتیاد و پرداخت نکردن ماه‌ها حقوق کارگران و معلمان و مردمان زحمتکش و نجیب و دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام چیز دیگری بود؟ حال بیائیم نظری به فکر اقتصادی مقام معظم رهبری بیندازیم. ایشان در سال ۱۳۷۸ و در جمع روسای سه قوه و مدیران مختلف نظام گفتند: «صبر و پایداری بر اصول و مبانی اسلام و انقلاب، موجب پیشرفت در عرصه‌های گوناگون خواهد بود. اگر صبر و پایداری، به روح نماز، یعنی توجه به منبع لایزال الهی و ذکر و خشوع متصل شود، استقامت انسان هیچگاه پایان نمی‌یابد و در این صورت هیچ‌وقفه‌ای در مسیر حرکت انسان و جامعه به سمت قله‌های مادی و معنوی، از جمله قله‌های علم، ثروت و اخلاق و معنویت پیش‌نخواهد آمد». مطابق نظر ایشان با صبر و پایداری و نماز و ذکر می‌توان به قله‌های علمی و مادی و ثروت دست پیدا کرد؟! از آنجائیکه این رهنمودهای «عالمانه» در این مدت چهل سال اثری نه‌بخشید و نمی‌توانست به‌بخشد، چرا که ابداً سواد اقتصادی ندارد و از طرفی شاهد خشم روزافزون و بنیان‌کن خلق ستم‌دیده می‌باشد، لذا صلاح کار خویش و نظام «مقدس» را در این می‌بیند که سکان این کشتی شکسته را به دست روحانی و دار و دسته مکتب نیاوران‌اش، این سرسپردگان غربی‌ها به سپارد، تا شاید به کمک غرب بتواند راه‌گریزی بیابد! هدف ایشان پناه‌بردن به گرگ از دست خشم مردم است! و اما فرماندهی جنگ اقتصادی روحانی یعنی چه؟ یعنی فرمان جنگی علیه مردم ایران، علیه هرگونه اعتراض و اعتصاب، علیه هرگونه شورش و یا قیام انسان‌های جان‌به‌لب رسیده‌ای که دور نیست با اتحاد و یکپارچگی و به فرماندهی کارگران و زحمتکشان، طومار حکومت ارتجاعی و سیاه‌اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و کلیت نظام را به‌پیچند و به آن تُف کنند. به امید آرزو.



خامنه‌ای، روحانی را فرمانده جنگ اقتصاد کرد

رهبر «معظم» انقلاب اسلامی در همان ابتدای انقلاب، خطاب به میلیون‌ها ایرانی، تأکید کردند که ما برای گوشت و خربزه و هندوانه انقلاب نکردیم، بلکه برای معنویت انقلاب کردیم. لاکن «اقتصاد مال خراست»!

بعضی‌ها به این گفته که «اقتصاد مال خراست» خندیدند. اما چهل سال گذشت تا مردم ایران فهمیدند که اقتصاد ایران واقعا مال خراست!

پس از جنگ، رفسنجانی بنا به توصیه «امام» اقتصاد را به خرها سپرد. این سیاست خرکی، ده درصد از جامعه را مولتی‌میلاردر کرد و در عوض صدها کارخانه و کارگاه تولیدی، شرکت‌های خصوصی و دولتی را ورشکست و تعطیل و میلیون‌ها ایرانی را اسیر و گرفتار هزینه روزمره زندگی نمود! بازار ارز و واردات و قیمت ارزاق و کالاها شیر تو شیر شد و دروغ و فساد و دزدی و کلاهبرداری چنان رواج پیدا کرد که هر که چنین شغل «شریفی» را پیشه نمی‌کرد، بی‌عرضه و ترسو خطاب می‌شد.

از طرف دیگر اکثریت مردم شریف ما، که اتفاقاً صاحبان اصلی انقلاب بودند، با انواع ابزار سرکوب، نه فقط از صحنه بیرون شدند، بلکه هستی‌شان به تباهی کشیده شد. رفسنجانی کی بود؟ نفر دوم انقلاب؛ آدمی فوق‌العاده مرموز و طراح قتل‌های زنجیره‌ای! رفسنجانی کسی بود که داوطلبانه سرسپردگی سیاست صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مستقر در فرانکفورت آلمان را پذیرفت و در عمل پیاده کرد! دو نهادی که سالهاست، از بعد از کودتای شیلی و در زمامداری ریگان و تاجر، با فشار اقتصادی و مالی، در غارت و چپاول منابع رو و زیر زمین کشورهای دیگر، همان نقش استعمار کهن را بازی می‌کنند!

این دو نهاد ضدبشری ذوق زده شده بودند که رژیم اسلامی،



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						